

## Enforcement of International Petroleum Industry Practices under Different Upstream Regimes

Javad Kashani \* 

Associated Professor, Department of Private and Economic Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Jafar Damanpak 

Ph.D. in Management of International Oil and gas Contracts, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract

For decades, companies involved in the petroleum industry are committed to complying with International Petroleum Industry Practices (IPIP) or similar terms in performing most of their obligations and operations. This paper examines the consequences of a breach of IPIP in light of reviewing dispute resolution methods in different regimes governing the upstream sector. Reviewing disputes and lawsuits related to the breach of IPIP suggests the different enforcement methods under the various regimes of operation in the upstream sector. With regard to the Iranian petroleum industry, using the results of this comparative study, it was shown that due to the contractual regime used in the relations between the National Iranian Oil Company (NIOC) and International Oil Companies (IOCs) involved in the development of the Iranian upstream sector, any dispute over IPIP as part of contractual terms will cause new risks by triggering the arbitration mechanism. It was also suggested that the preparation of IPIP in the form of precise documents and their periodical update by relevant authorities, including the Ministry of Petroleum, may reduce disputes between the contracting parties (NIOC and IOCs) and determine the latter's scope of authorities related to selection and application of IPIP.

**Keywords:** International Petroleum Industry Practices, Enforcement, dispute resolution methods, upstream sector.


---

\* Corresponding Author: kashani.lawyer@gmail.com


**How to Cite:** Kashani, J., & Damanpak, J. (2023). Enforcement of International Petroleum Industry Practices under Different Upstream Regimes. *Private Law Research*, 11(42), 175- 219. doi: 10.22054/JPLR.2023.61795.2589

## ضمانت اجرای رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت در رژیم‌های مختلف بخش بالادستی

دانشیار حقوق خصوصی و اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

جواد کاشانی \* 

دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

جعفر دامن‌پاک 

### چکیده

مشروط نمودن بسیاری از فعالیت‌ها و تعهدات شرکت‌های فعال در صنعت نفت به تطابق با رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت یا مفاهیم مشابه از تاریخچه‌ای طولانی برخوردار است. این مقاله به بررسی ضمانت اجرای تخلف از این رویه‌ها در پرتو بررسی روش‌های حل اختلاف در رژیم‌های مختلف حاکم بر فعالیت‌های بخش بالادستی می‌پردازد. بررسی اختلافات و دعاوی مرتبط با تخلف از این رویه‌ها نشان‌دهنده ضمانت‌های اجرای متفاوت در چارچوب شیوه‌های مختلف عملیات در بخش بالادستی است. با استفاده از نتایج این بررسی تطبیقی، در خصوص صنعت نفت ایران مشخص گردید که با توجه به استفاده از رژیم قراردادی در روابط بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های بین‌المللی فعال در توسعه بخش بالادستی، ضمانت اجرای این رویه‌ها در قالب شروط قراردادی از طریق نمودن مکانیسم داوری موجب بروز ریسک‌های جدید خواهد شد. همچنین نشان داده شد که تدوین رویه‌ها و بهترین عملکردهای صنعت نفت در قالب متون مشخص و به‌روزرسانی متناوب آنها توسط ارگان‌های ذی‌ربط از جمله وزارت نفت، می‌تواند موجب کاهش اختلافات طرفین قرارداد و مشخص شدن دامنه آزادی عمل شرکت‌های طرف قرارداد در ارتباط با انتخاب و اجرای رویه‌ها گردد.

**کلیدواژه‌ها:** رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت، ضمانت اجرا، روش‌های حل اختلاف، بخش بالادستی نفت.

## مقدمه

صنعت نفت، از زمان پیدایش در نیمه دوم قرن نوزدهم تا کنون، برای ادامه و بهینه‌سازی فعالیت‌های خود اقدام به پذیرش و یا ابداع مفاهیمی نموده که از آن به رویه‌های مورد قبول صنعت نفت تعبیر شده است.<sup>۱</sup> این رویه‌ها<sup>۲</sup> به عملکردها و هنجارهای رفتاری اطلاق می‌شود که بین فعالان نفتی، به خصوص شرکت‌های نفتی بین‌المللی و شرکت‌های ملی نفت ایجاد شده و تا حدی قدرت الزام‌آور پیدا کرده است.<sup>۲</sup> از طرف دیگر از آنجایی که بخش عمده‌ای از تعهدات شرکت‌های نفتی علاوه بر تطابق با مقررات قانونی و قراردادی

---

۱. صورت‌های مختلف اصطلاح «رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت» (International Petroleum Industry Practices) که در متون مختلف قانونی و قراردادی در صنعت آمده است همگی به وجود چنین رویه‌هایی اشاره دارند. «رویه‌های مناسب میادین نفتی» (Good Oilfield Practice) در قانون نفت لیبی (Libyan The Petroleum Law, 1955, 1966)، قانون نفت مناطق دریایی بریتانیا (UK Petroleum Regulation, 1988)، قانون نفت ایران (۱۳۳۶)، قرارداد نمونه مشارکت در تولید گرجستان (Georgian PSA, 2004) و قرارداد نمونه مشارکت در تولید لیبی (Libya PSA, 2006)، «رویه‌های عموماً پذیرفته‌شده در صنعت بین‌المللی نفت» (Generally Acceptable International Petroleum Industry Practices) در قرارداد مشارکت در تولید شاه دنیز (Shah Deniz PSA, 1996)، «رویه‌های عاقلانه و محتاطانه در میادین نفتی بین‌المللی» (Reasonable and Prudent International Oilfield Practice) در قرارداد مشارکت در تولید نیجریه، «رویه‌های مناسب در صنعت بین‌المللی نفت» (Good International Petroleum Industry Practices) در قرارداد مشارکت در تولید نیجریه (Nigeria PSA model, 2004)، «رویه‌های مدرن صنعت نفت» (Modern Industry Practices) در قرارداد مشارکت در تولید نیجریه، «بهترین رویه‌های صنعت نفت» (Best Practice of the Oil Industry) در نمونه قرارداد امتیاز برزیل (Brazil Concession Model, 2008) و قرارداد مشارکت در تولید تانزانیا (Tanzania PSA Model, 2008)، «روش‌های عموماً مورد استفاده در صنعت جهانی نفت» (Generally Adopted in the Oil Industry Worldwide)، «رویه‌های مدرن میادین نفتی و صنعت نفت» (Modern Oilfield and Petroleum Industry Practices) در نمونه قرارداد امتیاز برزیل و قرارداد نمونه مشارکت در تولید هند (India PSA Model, 2005) و «رویه‌های مناسب و معقول میادین نفتی بین‌المللی» (Good and Prudent International oilfield Practices) در نمونه قرارداد مشارکت در تولید کردستان عراق (Kurdistan PSA Model, 2007) و «بهترین رویه‌های صنعت بین‌المللی نفت» (Best International Petroleum Industry Practices) در قراردادهای نفتی ایران (IPC, 2016) از جمله نمونه‌های استفاده از این مفهوم در صنعت نفت هستند. برای مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت و منابع این رویه‌ها ر.ک: کاشانی و دامن پاک (۱۳۹۹).

۲. شیروی، عبدالحسین. حقوق نفت و گاز، (تهران: میزان، ۱۳۹۷). ص ۱۰۳.

باید وفق این رویه‌ها انجام گیرد،<sup>۱</sup> بررسی الزام‌آوری، ضمانت اجرا و تبعات ناشی از تخلف از این تعهدات ضروری به نظر می‌رسد. برخی از پژوهش‌ها به بررسی جنبه‌هایی از قراردادهای نفتی (مثل موارد زیست‌محیطی) پرداخته‌اند. زین‌الدین و شاهمرادی (۱۳۹۴) به مقایسه تطبیقی شروط محیط‌زیستی در قراردادهای بین‌المللی نفت پرداخته‌اند. موسوی و عینی (۱۳۹۸) نیز با تحلیل شروط محیط‌زیستی قراردادهای نفتی، به مسئولیت‌های ناشی از نقض این شروط پرداخته‌اند. برخی دیگر از محققان این ملاحظات را در رژیم‌های متفاوت تولید در بخش بالادستی بررسی نموده‌اند. پندری (۲۰۱۰)<sup>۲</sup> به بررسی شرایط و تعهدات زیست‌محیطی شرکت‌های طرف قرارداد اجاره در ساختار رگولاتوری پرداخته است. کنش‌نیک (۲۰۱۸)<sup>۳</sup> ضمن معرفی رویه‌های پیشروی مدیریتی<sup>۴</sup> (در برابر بهترین رویه‌های مدیریتی)<sup>۵</sup> در تولید نفت نامتعارف، به چگونگی کاربرد آنها در یک نظام حاکمیتی خصوصی زیست‌محیطی پرداخته است. بورژوا (۲۰۰۴)<sup>۶</sup> تضمین پاکسازی زیست‌محیطی در چارچوب رژیم خصوصی تولید را مورد بحث قرار داده است. گارسیا (۲۰۱۲)<sup>۷</sup> با بررسی بهترین رویه‌های صنعت نفت در فعالیت‌های فلات قاره معتقد است که "بهترین رویه‌های مورد استفاده در صنعت نفت، یکی از عناصر شکل‌دهنده قواعد برای

۱. برای مثال در نمونه قراردادهای نفتی ایران (IPC)، تهیه برنامه اولیه و برنامه جامع توسعه و تولید میدان، انجام و نظارت بر عملیات نفتی، تعهدات زیست‌محیطی، تدوین جزئیات برنامه زیست‌محیطی قرارداد، آموزش‌های مربوطه، کاهش تولید به دستور شرکت ملی نفت به هدف جلوگیری از صدمه به مخزن، پوشش بیمه‌ای عملیات، اجرای قرارداد در زمان فورس‌ماژور توسط شرکت ملی نفت و سایر پیمانکاران، عملیات بهره‌برداری، نگهداری و گزارش‌های عملیات پروژه، نگهداری اطلاعات و نمونه‌های حفّاری چاه‌ها، طراحی و اجرای چاه‌ها، تولید و نرخ حداکثر کارایی (MER)، تبعیت از قوانین ضداثرت‌آلود از مواردی هستند که پیمانکار موظف به انجام آن وفق بهترین رویه‌های صنعت نفت است.

2. Pendery, Bruce M. "BLM's Retained Rights: How Requiring Environmental Protection Fulfills Oil And Gas Lease Obligations", *Environmental Law*, Vol.40 (2010).

3. Korschnik, Kate., "Private Environmental Governance In Oil And Gas: Unlocking The Complex Universe of Leading Management Practices", *Journal of Land Use*, Vol. 33 No. 2 (2018).

4. Leading Management Practices- LMPs

5. Best Management Practices- BMPs

6. Bourgeois, Loyd L., "Private Actions Seeking Remediation or Restoration' Damages: Who Ensures the Clean-up Actually Occurs?", *Tulane Environmental Law Journal*, Vol. 17 (2004).

7. García, Julian C. "Best Industry Practices and Environmental Regulation for Offshore Petroleum Operations - A Contribution to the Study of the Lex Petrolea". *TPLI Series on Transnational Petroleum Law*, Vol. 1, N° 2, P. 89 (2012).

جامعه فراملی بازیگران صنعت نفت است.<sup>۱</sup> برخی دیگر از محققان مثل فریانسک (۱۹۹۶)<sup>۱</sup> به بررسی مسئولیت‌های شرکت‌های عامل در زمان ارتکاب قصور<sup>۲</sup> در قرارداد و رویه‌های موجود در این زمینه پرداخته‌اند. مطالعاتی نیز به جنبه‌های خاصی از فعالیت‌های صنعت و اثرات رویه‌ها در آنها پرداخته‌اند. مارتین (۲۰۰۴)<sup>۳</sup> ظهور استانداردها و رویه‌های جدید در برچیدن تأسیسات نفتی و شیروی و فلاحتی<sup>۴</sup> (۱۳۹۶) رویه‌های نفتی را در چارچوب قراردادی فرایند برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی تشریح نموده‌اند.

این مقاله بر آن است تا ضمانت اجرای رویه‌های مورد قبول صنعت نفت (در تمامی جنبه‌های آن شامل موارد فنی، مالی و زیست‌محیطی) را به‌عنوان قیدی بر فعالیت شرکت‌های فعال در قالب مقایسه تطبیقی روش‌های حل اختلاف در رژیم‌های مختلف حاکم بر بخش بالادستی بررسی نماید. بدین منظور در ادامه ضمن مرور مختصری بر مشخصات اصلی هر یک از این رژیم‌ها، روش‌های اجرا و تضمین اجرای رویه‌های نفتی از طریق بررسی روش‌های حل اختلاف میان طرفین و ارائه نمونه‌هایی از چگونگی حل اختلافات در خصوص رویه‌های نفتی مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان نیز با توجه به رژیم حقوقی حاکم بر بخش بالادستی ایران ملاحظاتی در خصوص رویه‌ها در این بخش صنعت نفت ایران ارائه شده است.

## ۱. ساختار مالکیت خصوصی

اساس رابطه طرفین از ابتدای اکتشاف نفت در دهه ۱۸۵۰ در آمریکا مبتنی بر قرارداد اجاره<sup>۵</sup> بوده است.<sup>۶</sup> در چارچوب این نوع رابطه و در قالب ساختار غی متمرکز این صنعت در آمریکا هزاران قرارداد توسط اشخاص خصوصی (حقیقی و حقوقی) برای اکتشاف،

1. Feriancek, Jeanine. "Liability for Negligence", *Natural Resource An Environment*, Vol. 11, No. 1 (1996).

2. Negligence

3. Martin, T., "Decommissioning of International Petroleum Facilities, Evolving Standards and Key Issues", *Oil, Gas & Energy Law Journal*, Vol. 1. Also at International Energy Law Course, RMMLF Mineral Law Series. Also at OGEL 5 (2003).

۴. شیروی، عبدالحسین فلاحتی، مهین. «چارچوب قراردادی فرآیند برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی». *مجله حقوق خصوصی*. دوره ۱۴ شماره ۱ (۱۳۹۶).

5. Lease Agreement

6. Conine, Gary B., "The Prudent Operator Standard: Applications beyond the Oil and Gas Lease", *Natural Resources Journal*, Vol. 41, (2001). p. 23.

توسعه، تولید و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در این کشور منعقد شده که مخرج مشترک تمامی آنها، صرف‌نظر از برخی جزئیات متفاوت، نشان‌دهنده روابط استاندارد شده بین طرفین است.<sup>۱</sup> در این رابطه که ناشی از الزامات توسعه صنعت بود، صاحب قرارداد اجاره<sup>۲</sup> (یا شرکت توسعه‌دهنده) کنترل‌کننده بیشتر فرآیند رابطه قراردادی طرفین بود؛ چراکه با توجه به سازمان و ساختار خود نسبت به صاحب زمین دارای تخصص و تجربه بیشتر در زمینه‌های عملیاتی، فنی و حقوقی قرارداد بود. در پرتوی چنین موقعیتی شرکت‌های توسعه‌دهنده با استفاده از فرم‌های نمونه قرارداد اجاره و قراردادهای استاندارد، چارچوب روابط بین خود و صاحبان زمین را تثبیت نمودند.<sup>۳</sup> بر این اساس فرآیند مذاکره بین شرکت‌های توسعه‌دهنده و صاحبان زمین فقط منحصر به پرکردن جاهای خالی در قراردادهای استاندارد می‌شد و با توجه به پیچیدگی عملیات، صاحبان زمین عمدتاً نسبت به بندها و مقررات عملیاتی و فنی که نیازمند تجربه و دانش بود نظر مخالفی ابراز نداشته و آنها را می‌پذیرفتند.<sup>۴</sup>

در این شرایط، بروز اختلاف در دو سطح قابل پیش‌بینی بود. سطح اول بروز اختلاف در ارتباط با طرفین قرارداد اجاره (شرکت توسعه‌دهنده و صاحب زمین) و بر مبنای این قرارداد و سطح دوم (در صورت وجود شرکا در طرف توسعه‌دهنده) در ارتباط با روابط

---

1. Pierce, David E. "Rethinking the Oil and Gas Lease", *Tulsa Law Journal*, Vol. 22, No. 4, (1987). p. 446.

خصوصیات اصلی قراردادهای اجاره که طی زمان و در قالب تعاملات طرفین ماهیتی استاندارد در روابط آنها ایجاد نموده را می‌توان در قالب چهار گروه از بندهای قراردادی شامل بندهای مربوط به واگذاری حقوق (Granting Clause)، مدت زمان اعطای حقوق (Habendum Clause)، بهره مالکانه (Royalty Clause) و شرایط حفاری (Drilling/rental Clause) مشخص کرد. برخی از این بندها مثل بندهای مربوط به مدت زمان اعطای حقوق از سال ۱۹۰۰ به این سو تغییر اساسی نداشته‌اند (Kuntz, 1972, at 319).

۲. منظور از صاحب اجاره یا مالک قرارداد اجاره همان Leasee یا شرکت توسعه‌دهنده (Developer) زمین مورد اجاره بوده که طرف قرارداد صاحب زمین (Lessor) است.

3. Pierce, David E., opt cit, p. 446.

۴. هرچند در پاسخ به این عدم تعادل دادگاه‌ها با هدف بازگرداندن توازن به روابط طرفین قواعد تفسیری را توسعه دادند. این امر منجر به تدوین سه قاعده اساسی در حقوق مربوط به نفت و گاز گردید. الف) قرارداد اجاره باید به‌نحو قابل توجهی به نفع صاحب زمین تفسیر شود. ب) قرارداد (اجاره) به نحوی تهیه شود که موجب افزایش توسعه و مانع از تأخیر باشد. ج) مصادره حقوق قراردادی در صورتی که به‌صراحت در قرارداد ذکر شود قابل اجرا باشد. رک به (Sullivan, 1955, paras.82-83)

شرکا با یکدیگر (به‌ویژه شرکت عامل و سایر شرکا) و بر مبنای قرارداد عملیات مشترک<sup>۱</sup> بود. با این حال روش‌های حل اختلاف بین طرفین (از جمله در خصوص رویه‌های نفتی) در هر دو سطح تنها محدود به مذاکره و دادگاه بوده است.<sup>۲</sup>

### ۱-۱. دعاوی سطح اول (اختلاف بین طرفین قرارداد اجاره)

تلاش دادگاه‌ها برای حفظ حقوق صاحبان زمین در برابر شرکت‌های توسعه‌دهنده (مالکان اجاره) را می‌توان در رأی دادگاه عالی ایالت کانزاس در خصوص یکی از این نوع دعاوی مشاهده نمود:<sup>۳</sup>

”قراردادهای اجاره حاوی ابهام، باید به نفع صاحب زمین و به ضرر تولیدکننده (مالک اجاره) تفسیر شوند؛ چراکه معمولاً تولیدکننده فرم اجاره را تهیه و یا مفاد آن را دیکته می‌کند و به نحوی تدوین می‌شود که حافظ منافع وی باشد.“<sup>۴</sup>

از جمله دعاوی مطرح شده در این خصوص می‌توان به قضیه ”لایت کپ و شرکت نفت موبیل“ در دادگاه عالی ایالت کانزاس اشاره کرد.<sup>۵</sup> صاحبان زمین معتقد بودند که پرداخت بهره مالکانه باید بر مبنای قیمت/ارزش بازار (قیمت تعیین شده در فرآیند داوری، فارغ از اینکه چنین قیمتی توسط تولیدکننده دریافت شده است یا نه) انجام شود، در حالی که موبیل معتقد بود قیمت فروش واقعی به خریدار (که با دخالت کمیسیون فدرال برق نسبت به قیمت تعیین شده داوری کاهش یافته بود) باید مبنای پرداخت بهره مالکانه باشد.<sup>۶</sup> دادگاه

1. Joint Operating Agreement- JOA

2. Moore, Loretta W. and Pierce, David E. “A Structural Model for Arbitrating, Disputes Under the Oil and Gas Lease”, *Natural Resources Journal*, Vol. 37, (1997). p. 407.

۳. این نوع نگاه مبتنی بر این دیدگاه بود که ابهام در متن باید به ضرر تهیه‌کنندگان آن تفسیر شود (Lightcap v. Mobil Oil Corp., 1977, p.458).

4. Rook v. James E. Russell Petroleum, Inc., Kansas Supreme Court, No. 54,031, 235 Kan, 6, 679 P.2d 158, (1984), p. 14.

۵. این قضیه شامل شش دعوی جداگانه توسط اشخاص حقیقی صاحب زمین و طرف قراردادهای اجاره با شرکت موبیل در میدان هاگوتون (Hugoton field) بود که به صورت یکپارچه در دادگاه عالی این ایالت مطرح شده بود. طبق اعلام دادگاه بیش از ۳۰۰ پرونده مشابه در مورد همین میدان (اشخاص مختلف صاحب زمین و طرف قرارداد اجاره با موبیل) در دادگاه‌های این ایالت موجود بوده که منتظر رأی دادگاه عالی ایالت در پرونده فوق بوده‌اند (Lightcap v. Mobil Oil Corp., 1977p. 449).

6. Lightcap v. Mobil Oil Corp., Kansas Supreme Court, No. 47,991, 221 Kan. 448, 562 P.2d 1, (1977), p. 457.

اعلام کرد که رویه معمول در پرداخت بهره مالکانه توسط موبیل (در قالب قراردادهای اجاره مختلف و بندهای مربوط به بهره مالکانه متفاوت) منحصراً بر مبنای میزان تولید گاز و ارزش بازاری آن بوده و ارتباطی با هزینه آن شرکت (که مبنای تعیین قیمت فروش توسط کمیسیون فدرال برق بود)<sup>۱</sup> ندارد.<sup>۲</sup>

از دیگر موارد اختلاف بین صاحب زمین و شرکت توسعه‌دهنده بندهای مربوط به خاتمه قرارداد اجاره است. در قضیه دیگری در دادگاه تجدیدنظر ایالت کالیفرنیا مفهوم تولید نفت و رابطه آن با خاتمه قرارداد اجاره مورد بحث واقع شده است. دادگاه با رد ادعای شرکت مبنی بر تولید نفت اعلام کرد که تولید مورد نظر در قرارداد اجاره "تولیدی است که در رویه میادین نفتی مورد نظر است که به معنای تولید تجاری<sup>۳</sup> است. هدف یک قرارداد اجاره، استخراج منابع هیدروکربنی از زمین مورد اجاره در مقادیری است که امکان پرداخت بهره مالکانه به صاحب زمین و ایجاد سود برای صاحب قرارداد اجاره را فراهم کند.<sup>۴</sup> شرکت توسعه‌دهنده نتوانست تجاری بودن تولید را در دادگاه اثبات نماید و نهایتاً قرارداد اجاره در دادگاه تجدیدنظر نیز خاتمه یافته تلقی شد.<sup>۵</sup>

البته رویکرد دادگاه‌ها در خصوص تفسیر قراردادهای اجاره به نفع صاحب زمین همیشه منجر به محکوم شدن شرکت توسعه‌دهنده نمی‌شد. به عنوان نمونه در قضیه "بوچر و شرکت نفت اوکمار"، دادگاه تجدیدنظر اعتراض مالک زمین (بوچر) به رأی دادگاه بدوی مبنی بر عدم خاتمه حق عبور صاحب اجاره (شرکت نفت اوکمار) را مردود دانست.<sup>۶</sup>

۱. قیمت فروش توسط کمیسیون بر مبنای هزینه‌ها و نرخ مناسب بازگشت سرمایه تعیین می‌شد.

2. Lightcap v. Mobil Oil Corp., opt cit, p. 484.

3. Paying or commercial production

4. Ware v. Stafford, 148 Cal. App. 2d 840, District Court of Appeal of the State of California. Civ. No. 22074. 148 Cal. App. 2d 840, (1957) p.844.

۵. مشابه همین مضمون در قراردادهای ایران پس از ملی شدن صنعت نفت در تعریف تولید تجاری ذکر شده بود. به

عنوان مثال در بند «ه» ماده ۸ قرارداد سیرپ آمده بود (کتاب سفید، ۱۳۴۴):

«قابلیت تولید میدان نفت به میزان تجاری در شرایط موجود بازار در صورتی محرز شناخته می‌شود که مقدار استخراج نفتی که عرفاً قابل پیش‌بینی است طوری باشد که وقتی برآورد ارزش تمام‌شده آن برای تحویل در کنار دریا بر اساس احتساب هزینه تولید به اضافه کرایه حمل و نقل بارگیری و همچنین به اضافه رقمی معادل ۱۲/۵ درصد قیمت‌های اعلان شده که بابت حداقل مالیات و حقوق به دولت ایران باید پرداخت شود از قیمت اعلان‌شده همان‌نوع نفت کسر گردد سود متناسبی باقی بماند.»

6. Butcher v. Okmar Oil Co., Court of Appeal of the State of California, Civ. No. 49493, 65 Cal. App. 3d 972, (1977), p. 074.



دادگاه با استماع نظر کارشناسان به این نتیجه رسید که فسخ حق عبور شرکت اوکمار بر خلاف رویه‌های مناسب میادین نفتی بوده و این شرکت برای ادامه عملیات به صورت عملی و اقتصادی برای تولید نفت، به تمام سطح اراضی توصیف شده نیاز دارد. کارشناس مربوطه در دادگاه اعلام کرد که رویه مناسب صنعت نفت مستلزم استفاده از این زمین‌ها برای جمع‌آوری، حمل و نقل و بازاریابی مقادیر زیادی از نفت تولید شده از ناحیه قرارداد اجاره می‌باشد،<sup>۱</sup> در حالی که شاکی نتوانست بخش سوم از شرایط فسخ حق عبور را که همان سازگاری با رویه نفتی بود اثبات نماید.

رویکرد دوم در خصوص اختلاف بین مالک زمین و شرکت توسعه‌دهنده بر مبنای مفهوم استاندارد شرکت عامل معقول<sup>۲</sup> بود که در پرتوی آن دادگاه‌ها عملکرد شرکت توسعه‌دهنده را در چارچوب قرارداد اجاره ارزیابی می‌کردند. دادگاه‌ها با استفاده از این مفهوم در خصوص اختلافات ناشی از تعهدات شرکت توسعه‌دهنده نسبت به صاحب زمین و ایفای این تعهدات به ویژه مسائل مربوط به تصمیمات حفاری، عملیات تولید، بازاریابی و تعاملات با دولت را بدین گونه قضاوت کرده‌اند که یک شرکت عامل (اپراتور) محتاط و معقول در شرایط مشابه چه کاری انجام می‌داد.<sup>۳</sup> استاندارد عملکرد شرکت عامل در واقع همان عملکردی است که در صنعت، پذیرش عام یافته و از آن به رویه مورد قبول صنعت نیز تعبیر می‌شود.

به عنوان مثال در قضیه شرکت نفت و گاز فیلیپس و جدلیکا در خصوص اختلاف طرفین یک قرارداد اجاره در تعیین ماهیت تولید تجاری، اکثریت اعضای هیئت منصفه معتقد بودند که استاندارد اپراتور معقول و محتاط، ضرورتاً نشان‌دهنده این موضوع است که شرکت عامل (اپراتور/ مالک قرارداد اجاره) در قضاوت خود در تجاری بودن تولید بر اساس حسن نیت عمل نموده است.<sup>۴</sup>

اثبات اینکه شرکت عامل معقول و محتاط در موقعیت‌های مشابه چه عملکردی دارد بر عهده مدعی است. به عنوان مثال در قضیه کانن و شرکت نفت سان-کی که تولید نفت

1. Ibid, p. 975

2. Prudent Operator Standard

3. Conine, Gary B., op cit, p. 23

4. T.W. Philips Gas & Oil Co. V. Jedlika, Supreme Court of Pennsylvanin. No. 19 WAP, 615 Pa. 199, 42 A.3d 261, (2012), p. 236.

بنابر ملاحظاتی (از جمله هزینه‌های زیاد برای ایجاد دستگاه‌های تقویت فشار و نیز ساخت خط لوله تجمیع‌کننده گاز میدین مجاور) برای مدتی متوقف شد، صاحب زمین ادعای خاتمه قرارداد اجاره به دلیل عدم تولید در مقادیر تجاری را به دادگاه ارائه نمود. دادگاه اعلام کرد که با توجه به اینکه صاحب زمین هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر اینکه یک اپراتور محتاط و معقول عملیات چاه مورد دعوا را به صورت دیگری انجام می‌داد (که منجر به تولید زودتر چاه می‌گردید و یا اینکه در این شرایط عملیات تولید را ادامه نمی‌داد) ارائه ننموده است، ادعای وی را رد و حکم به ادامه قرارداد اجاره داد.<sup>۱</sup>

استاندارد شرکت عامل محتاط و معقول، از نگاهی دیگر، رابطه مستقیمی با توافقات ضمنی<sup>۲</sup> در قرارداد اجاره دارد. هرگونه ادعایی از سوی صاحب زمین علیه شرکت توسعه‌دهنده (اپراتور) باید با توجه به مسئولیت کلی آن شرکت برای انجام عملیات همانند یک شرکت عامل معقول و محتاط در چارچوب اهداف یک قرارداد اجاره مورد ارزیابی قرار گیرد.<sup>۳</sup> مبنای این رویکرد بر این استدلال قرار داشت که چون تمامی جزئیات تعهدات شرکت توسعه‌دهنده در قرارداد اجاره ذکر نشده است، روابط طرفین در این خصوص مشمول حقوق توافقات ضمنی<sup>۴</sup> می‌شود<sup>۵</sup> که ناشی از اهداف مندرج در قرارداد اجاره هست. در قالب این رویکرد روش‌های جبران خسارت از پرداخت غرامت تا فسخ کامل قرارداد اجاره توسط مالک زمین قابل اعمال است.<sup>۶</sup>

1. Cannon v. Sun-Key Oil Co., Texas Courts of Appeals, No. 11-02-00286-CV, 117 S.W.3d 416, (2003), p.424.

2. Implied covenant

3. Amoco Production Co. v. Alexander, Supreme Court of Texas, No. B-9131, 622 S.W.2d 563, (1981), p. 568.

4. Law of implied covenants

5. Meyers, Charles J. "Compulsory Joinder of Parties in Implied Covenant Litigation", *Stanford Law Review*, Vol. 16, (1963), p. 43.

۶. همان ص ۴۴. البته باید توجه داشت-که معمولاً در یک میدان تولیدی تعداد زیادی قرارداد اجاره با مالکین متفاوت وجود دارند که امکان اینکه یک مالک خاص بتواند به تنهایی بر این اساس شرکت توسعه‌دهنده را برای اقدامات وی در کل میدان به چالش بکشد در عمل دشوار است (Amoco Production Co. v. Alexander). هرچند دادگاه‌ها حقوق مکسبه توسط افرادی غیر از صاحب زمین را در قالب قرارداد اجاره به رسمیت شناخته و ادعای آنها مبنی بر دریافت خسارت ناشی از عملکرد شرکت توسعه‌دهنده را تأیید کرده‌اند (Compton v. Fisher-McCall, Inc, 1941).

البته باید توجه داشت که به دلیل پیچیدگی صنعت نفت و تغییرات تکنولوژیکی آن، طبیعتاً امکان تهیه فهرست جامع و مانعی از توافقات ضمنی شرکت توسعه‌دهنده وجود ندارد و این شرکت‌ها عملاً باید با توجه به شرایط خاص هر میدان و عملیات مربوطه، به نحوی عمل نمایند که مشابه با استاندارد شرکت عامل محتاط و معقول در شرایط مشابه باشد. در صورت بروز اختلاف بین طرفین، دادگاه با بررسی شرایط و مقتضیات مربوط به هر موضوع و ادله اثبات ارائه شده توسط مدعی نسبت به تخلف از آن تصمیم‌گیری می‌کند. در قضیه "اولسون و شوارتز" دادگاه اعلام نمود که "ارائه فرمولی که بر اساس آن دادگاه میزان تطابق عملکرد یک شرکت توسعه‌دهنده در یک قرارداد اجاره خاص را در تطابق با استاندارد اپراتور محتاط تعیین کند در عمل غیرممکن است، لذا در هر مورد باید با توجه به خصوصیات و مشخصات خاص آن مورد، قضاوت انجام شود و بار اثبات نقض توافقات ضمنی - مستتر در قالب مفهوم استاندارد اپراتور محتاط - بر عهده مدعی می‌باشد."<sup>۱</sup>

البته برخی از صاحب‌نظران<sup>۲</sup> رئوس کلی توافقات ضمنی در یک قرارداد اجاره را در سه گروه عمده طبقه‌بندی کرده‌اند:

گروه اول توافقات ضمنی مربوط به توسعه بوده که شامل الف) حفاری چاه و ب) توسعه معقول در قالب قرارداد اجاره پس از رسیدن به تولید است.

گروه دوم این توافقات مربوط به حمایت و حفاظت بوده و شامل الف) حفاظت در برابر خشک شدن چاه<sup>۳</sup> و ب) عدم کاهش منافع صاحب زمین<sup>۴</sup> است.

سرانجام گروه سوم توافقات ضمنی در یک قرارداد اجاره مربوط به مدیریت و اجرای این قرارداد بوده که شامل الف) تولید و بازاریابی، ب) انجام عملیات بهره برداری با مراقبت معقول<sup>۵</sup>، ج) استفاده از روش‌های مدرن و موفق توسعه و تولید و د) پیگیری اقدامات اجرایی مطلوب<sup>۶</sup> می‌شود.<sup>۷</sup>

۱-۲. دعاوی سطح دوم (اختلاف بین طرفین قرارداد عملیات مشترک)

1. Olson v. Schwartz, North Dakota Supreme Court, Civ. Nos. 10466, 10503, 345 N.W.2d 33, (1984), p. 39.

2. Richard W. Hemingway (Law of Oil and Gas, 1971, § 8.1.)

3. Protection against drainage

4. Not to depreciate the Lessor's interest

5. Reasonable care

6. To seek favorable administration action

7. Amoco Production Co. v. Alexander, op cit, p. 572.

حضور و مشارکت شرکت‌های مختلف نفتی در توسعه یک میدان با توجه به پیچیدگی‌های فنی و نیز مبالغ بالای سرمایه مورد نیاز با هدف کاهش ریسک و تقسیم آن بین شرکا امری معمول است.<sup>۱</sup> حدود و قلمروی مسئولیت شرکت عامل در برابر سایر شرکا اغلب مورد بحث دادگاه‌ها بوده است.<sup>۲</sup> شرکای غیرعامل در دادگاه‌ها به دنبال اثبات تعهدات شرکت عامل به عنوان تعهد امانی<sup>۳</sup> بودند که در صنعت نفت و گاز بدین معناست که روابط بین شرکت عامل و شرکای غیرعامل همانند روابط در قالب مشارکت، جوینت ونچر، تراست یا نمایندگی<sup>۴</sup> است.<sup>۵</sup> با توجه به بندهای تقریباً استاندارد در قراردادهای عملیات مشترک، این اقدامات موفقیت‌آمیز نبوده و رویه دادگاه‌ها در این باره بیشتر به این تمایل دارد که شرکت عامل تنها در زمانی مسئول<sup>۶</sup> اقدامات عملیاتی خود است که این اقدامات ناشی از قصور فاحش<sup>۷</sup> و یا تخلف عمدی<sup>۸</sup> باشد و اثبات این امر نیز بر عهده اعضای غیرعامل است.<sup>۹</sup> در قضیه شرکت نفت آی. پی. و شرکت ویوانکو انرژی دادگاه این مفاهیم را در ارتباط با شرکت آی. پی. به شرح ذیل تعریف نمود:

”الف: قصد مشخص شرکت آی. پی. برای ایجاد آسیب و صدمه به شاکیان

ب: فعل یا ترک فعل شرکت آی. پی. عبات است از این که

---

1. Lowe, John S. “Some Recurring Issues in Operating Agreements and What AAPL’s Drafting Committee Might Do About Them”, 60 Rocky Mt. Min. L. Inst. 27-1(2014), ۲. برخی از دادگاه‌ها حدود و مسئولیت‌های اپراتور در یک قرارداد اجاره (در قالب استاندارد اپراتور محتاط و معقول) را با مسئولیت‌های اپراتور در یک قرارداد مشترک (در قالب استاندارد عملکردی مناسب و متعارف - Good and workmanlike manner) یکسان انگاشته‌اند که با توجه به ماهیت متفاوت دو قرارداد مورد انتقاد قرار گرفته است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک به Conine, 2001

3. Fiduciary duties

4. Partnership, Joint venture, trust and Agency

5. Feriancek, Jeanine, op cit, p. 59.

6. Liable

7. Gross negligence

8. Willful misconduct

۹. بر این اساس شرکت عامل در صورتی مرتکب قصور فاحش شناخته می‌شود که آگاهانه فعل یا ترک فعلی انجام دهد که برخلاف رویه‌های مناسب میادین نفتی بوده و از تبعات آن از جمله ضرر و زیان به منافع اعضای غیرعامل نیز مطلع بوده باشد. تخلف عمدی نیز مفهومی مشابه داشته و تنها عنصر قصد و نیت شرکت عامل مورد تأکید بیشتر است (Feriancek, 1996).

۱. در صورتی که از نقطه نظر شرکت آی. پی. در زمان وقوع در نظر گرفته شود، با توجه به احتمال و میزان آسیب به سایرین، نشان‌دهنده ریسک بالای آن (فعل یا ترک فعل) است.

۲. شرکت آی. پی. آگاهی واقعی و ذهنی از میزان خطر داشته ولی با بی‌اعتنایی، آگاهانه نسبت به حقوق، ایمنی یا رفاه دیگران فعل یا ترک فعل خود را ادامه دهد.<sup>۱</sup> هر چند در حدود مسئولیت یا عدم مسئولیت شرکت عامل اختلاف نظر وجود دارد،<sup>۲</sup> با این حال توجه به تعریف فوق، اثبات مسئولیت شرکت عامل در صورتی که اقدامات وی منجر به بروز حادثه‌ای نشود، در عمل اگر نه غیرممکن که بسیار بعید به نظر می‌رسد.<sup>۳</sup> با وجود این در حادثه انفجار سکوی دیپ واتر هورایزن<sup>۴</sup> و نشت نفت در خلیج مکزیک، دادگاه قصور فاحش و تخلف عمدی شرکت بی. پی. را عامل نشت نفت دانست و در نتیجه به پرداخت خسارت بالاتری محکوم کرد.<sup>۵</sup>

دعاوی مطرح شده در دادگاه‌ها عمدتاً توسط شرکا علیه شرکت عامل بوده که در خصوص رویه‌های نفتی اثبات وجود و یا عدم وجود آن یکی از دفاعیات هر یک از طرفین دعوی است. به عنوان نمونه چگونگی خاتمه قرارداد عملیات و اثبات وجود رویه میادین نفتی توسط مدعی در دعاوی شرکت نفت و گاز سدار کریک در برابر شرکت گاز

1. IP Petroleum Co. v. Wevanco Energy, L.L.C., Texas Courts of Appeals, No. 01-02-00106-CV, 116 S.W.3d 888, p. 897.

۲. در برخی دعاوی دادگاه‌ها از جمله (Reeder v. Wood County energy, 2012)، (Castle Texas, et al, v. Long Trusts, 2003)، (IP Petroleum Co. v. Wevanco Energy, L.L.C., 2003) با توجه به مفاد قرارداد عملیات مشترک، عدم مسئولیت شرکت عامل را فقط در عملیات به رسمیت شناخته‌اند. دادگاه در قضیه Abraxas به صراحت اعلام کرد که «محدودیت مسئولیت شرکت عامل مستقیماً مربوط به تعهد انجام وظایف به عنوان یک شرکت عامل محتاط بوده که منحصراً مربوط به شیوه‌ای است که آن شرکت فعالیت‌های حفاری را در قالب قرارداد اجاره انجام می‌دهد» (Abraxas v. Hornburg, 2000). این در حالی است که در برخی دیگر از دعاوی، دادگاه‌ها با بررسی همان مفاد قراردادهای عملیات مشترک عدم مسئولیت شرکت عامل را نه تنها در عملیات بلکه در تمامی فعالیت‌های آن شرکت در قالب قرارداد عملیات مشترک در نظر گرفته‌اند (Stine v. Marathon Oil Company, 1992).

۳. به عنوان مثال در هیچ یک از دعاوی مندرج در پانویس قبلی شرکت‌های عامل در قالب این مفاد مسئول شناخته نشدند.

4. Deepwater horizon

5. In re Oil Spill by the Oil Rig Deepwater Horizon, (2015), United States District Court for the Eastern District of Louisiana, No. MDL 2179, 77 F. Supp. 3d 500, p. 503.

فیدلیتی<sup>۱</sup> (به همراه شرکت‌های بهره‌بردار داکوتا-مونتانا<sup>۲</sup> و شرکت شل<sup>۳</sup>) مطرح شد. دادگاه در رأی خود در سال ۱۹۵۷ در معتبر بودن قراردادهای عملیاتی و فعالیت‌های این شرکت‌ها اعلام کرد:

”اثبات عدم اعتبار قراردادهای عملیاتی مورد بحث بر عهده شاکیان می‌باشد. در انجام این امر شاکیان اعلام نمودند که پس از حفر یک چاه خشک، خواندگان از حق خود برای انجام عملیات حفاری در مهلت مقرر مندرج در بخش چهار قراردادهای عملیاتی فیدلیتی استفاده نکرده‌اند. طبق مفاد این بخش از قرارداد، عملیات حفاری بیشتر باید مطابق با زمان مورد انتظار در رویه‌های مناسب نفتی برای مناطق اکتشافی<sup>۴</sup> انجام شود؛ بنابراین اثبات اینکه رویه مناسب میادین نفتی در چنین شرایطی چیست بر عهده شاکیان بوده و در واقع آنان نتوانستند رویه مناسب در خصوص زمان مورد نیاز چنین عملیاتی را در مناطق اکتشافی نشان دهند. دادگاه بدوی نیز اعلام نمود: ”شواهدی که نشان‌دهنده رویه مناسب میادین نفتی در مورد زمان‌بندی در مناطق اکتشافی باشد، وجود ندارد و در صورتی که رأی بر این اساس صادر شود نیازمند بررسی بیشتر است.“ دادگاه (تجدیدنظر) معتقد است که عدم وجود شواهد در این رابطه به معنای ناتوانی در اثبات توسط مدعیان بوده و امکان دادخواهی مجدد برای شاکیان وجود ندارد.<sup>۵</sup>“

در قضیه دالباسکو و شرکت منابع انرژی (انرژی)، اثبات وجود رویه در زمان مشخص مورد بحث قرار گرفته است. در خصوص رویه موجود در صنعت نفت دادگاه اعلام نمود که انرژی کافی بودن شواهد برای اثبات وجود عرف و رویه در مورد صدور اعلامیه به غیر اپراتورها را به چالش نمی‌کشد، بلکه فقط ادعا می‌کند که هیچ مدرکی مبنی بر وجود این عرف در سال ۱۹۸۱ وجود ندارد؛ بنابراین دالبوسکو موظف بود مدارکی ارائه دهد که هیئت منصفه به طور منطقی وجود چنین رویه‌ای در سال ۱۹۸۱ را استنباط کند. دادگاه سپس با استماع نظرات کارشناسان دالباسکو اعلام نمود که الف) چنین سابقه‌ای در ارسال اعلامیه مربوط به قصد خاتمه تولید و بستن چاه به غیر اپراتورها به عنوان رویه صنعت در سال ۱۹۸۱

1. Cedar Creek Oil & Gas Co. v. Fidelity Gas Co.

2. Montana-Dakota Utilities Company-MDUC

3. Shell Oil Company

4. Wildcat Area

5. Cedar Creek Oil & Gas Co. v. Fidelity Gas Co., United States Court of Appeals for the Ninth Circuit, No. 15293, 249 F.2d 277, (1957), p. 552.

وجود داشته و موجب ایجاد تعهد قراردادی انرژی شده ب) انرژی در انجام این تعهد قراردادی قصور نموده است. بر این اساس دادگاه تجدیدنظر انرژی را محکوم نمود.<sup>۱</sup> علاوه بر دعاوی مربوط به وجود رویه (در معنایی نزدیک به عرف) برخی دعاوی نیز در ارتباط با به کارگیری استانداردهای صنعت توسط فعالین آن بوده است. از جمله این دعاوی چگونگی فروش فرآورده‌های نفتی است. این قضیه ابتدا به صورت شکایت‌های مختلف از فروشندگان و جایگاه داران بنزین و گازوئیل در ۲۸ ایالت مختلف در آمریکا انجام شد و سپس در سال ۲۰۰۷ طبق نظر دادگاه تمامی شکایت‌های مختلف در قالب یک شکواییه یک‌پارچه<sup>۲</sup> تنظیم و در دادگاه فدرال ایالت کانزاس مطرح شد. تفاوت اندازه‌گیری سوخت در سطح عمده‌فروشی (که بر مبنای استاندارد صنعت بود) و خرده‌فروشی (که بدون رعایت استاندارد صنعت بود) منجر به سود بیش از اندازه و نیز پرداخت مالیات سوخت به هزینه خریداران می‌گردید.<sup>۳</sup> بر این اساس شاکیان، جایگاه‌داران و خرده‌فروشان سوخت (بنزین و گازوئیل) را به جرائمی از جمله دارا شدن غیرعادلانه، نقض قرارداد، نقض وظیفه حسن‌نیت و معاملات عادلانه، نقض ضمانت‌های ضمنی و صریح، تقلب، تدلیس و نقض حمایت از مصرف‌کننده متهم کردند.<sup>۴</sup> دادگاه با ردّ محورهای ده‌گانه دفاعیات متهمین به نفع شاکیان رأی داد.<sup>۵</sup>

## ۲. ساختار رگولاتوری

در این ساختار، مالکیت عمومی بر منابع زیرزمینی به رسمیت شناخته شده و اجازه انجام فعالیت‌های اکتشاف و استخراج از طریق ارگان‌های مسئول به شرکت‌های با صلاحیت داده می‌شود. مجوز اجرای عملیات نفتی به صورت موقت صادر شده و در آن حق انجام عملیات اکتشافی وفق شرایط مشخصی به شرکت متقاضی اعطا و در صورت عدم رعایت

1. *Energen Resources MAQ, Inc. v. Dalbosco*, Texas Courts of Appeals, No. 01-99-00553-CV, 23 S.W.3d 551, (2000), p. 552.

2. Consolidated Amended Complaint

۳. با توجه به اینکه مالیات بر میزان سوخت مشخص بود به دلیل فروش مقادیر کمتر، عملاً فروشندگان مالیاتی را از خریداران بابت سوختی که به آنها نفروخته بودند دریافت می‌کردند.

4. *In re Motor Fuel Temperature Sales Practices Litigation*, United States District Court for the District of Kansas, MDL No. 1840; No. 07-MD-1840-KHV, 534 F. Supp. 2d 1214, (2008), p. 1222.

5. *Ibid*, p. 1216.

شرایط و یا عدم دستیابی به منابع زیر زمینی، مجوز یادشده خاتمه می‌یابد. در صورت اکتشاف و رسیدن به تولید تجاری، شرکت‌ها اجازه تملک ذخایر، تأسیسات ساخته‌شده و نیز تولید حاصله را داشته و از طریق پرداخت عوارض و مالیات‌های مقرر، مجوز حضور خود در میدان را حفظ می‌کنند. اجازه انجام این عملیات به دو شیوه کلی قرارداد اجاره یا مجوز بهره‌برداری (لیسانس) انجام می‌گیرد.

## ۲-۱. ساختار رگولاتوری در قالب قرارداد اجاره

در آمریکا، زمین‌های متعلق به دولت فدرال (شامل تمامی فلات قاره) و اراضی متعلق به دولت‌های ایالتی مشمول ساختار رگولاتوری هستند<sup>۱</sup> و انجام عملیات اکتشاف و تولید از طریق قرارداد اجاره بین ارگان دولتی (فدرال یا ایالتی) و شرکت توسعه‌دهنده صورت می‌گیرد.<sup>۲</sup>

از آنجایی که این ساختار به صورت سیستم بهره مالکانه/مالیات عمل می‌کند،<sup>۳</sup> وصول درآمدهای مالیاتی در سطح فدرال بر عهده اداره درآمدهای داخلی وزارت خزانه‌داری<sup>۴</sup> و در سطح ایالتی بر عهده ارگان‌های مربوطه در دولت‌های ایالتی است. در این چارچوب متکثر، هر یک از ارگان‌های مختلف تنظیم مقررات، قواعد و استانداردهای عملکردی مربوط به حوزه خود را منتشر و شرکت‌های توسعه‌دهنده را مکلف به اجرای آنها می‌نمایند. در سطح فدرال کمیسیون فدرال رگولاتوری انرژی<sup>۵</sup> صلاحیت الزام اجرا و مجازات متخلفین از مقررات را دارا می‌باشد. در خصوص مسائل زیست‌محیطی و ایمنی نیز آژانس حفظ محیط زیست<sup>۶</sup> صلاحیت اعمال مقررات را دارد.

---

۱. باید متذکر شد که تا سال ۱۹۲۰ شیوه مرسوم در آمریکا به این صورت بود که اشخاص (حقیقی یا حقوقی) خصوصی در صورت اثبات کشف منابع قیمتی در زمین‌های متعلق به دولت، امکان تقاضای حق انحصاری بر زمین (Patent) را داشتند که بعداً تبدیل به مالکیت قطعی بر زمین می‌شد. در سال ۱۹۲۰ با تصویب قانون اجاره منابع معدنی (Mineral Leasing Act) قرارداد اجاره جایگزین واگذاری مالکیت شد. این قانون و اصلاحات بعدی آن مبنای اساسی مقررات مربوط به بهره‌برداری از اراضی دولتی در آن کشور بوده است (Krueger, 1978, p.63).

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص مقررات مربوط به نفت و گاز در آمریکا رک به (Miller, 1963)

۳. شیروی (۱۳۹۷)، ص ۴۱۶.

4. Internal Revenue Service- IRS  
5. Federal Energy Regulatory Commission- FERC  
6. Environmental Protection Agency



مخالفت با تصمیم نهادهای رگولاتوری و حق تجدیدنظر از تصمیمات آنها چه در سطح فدرال و چه در سطح ایالتی وجود دارد. مرجع اعتراض به تصمیمات این نهادها دادگاه‌های تجدیدنظر (فدرال و ایالتی) هستند. به‌عنوان نمونه می‌توان به اعتراض شرکت اکسان به تصمیم آژانس حفظ محیط زیست در تصویب استاندارد حداقل اکسیژن موجود در بنزین در زمستان در ایالت نوادا<sup>۱</sup> و نیز اعتراض انجمن نفت آمریکا علیه آژانس حفظ محیط زیست در خصوص ضایعات جامد<sup>۲</sup> و ضایعات خطرناک<sup>۳</sup> اشاره کرد.<sup>۴</sup> در خصوص رویه‌های نفتی و اعتراض به تصمیمات نهادهای مربوط در این زمینه می‌توان به قضیه "اوهایو ریور" در پذیرش رویه معمول حسابداری در صنعت و لحاظ کردن برآورد هزینه‌های آتی برچیدن تأسیسات<sup>۵</sup> در اظهارنامه‌های مالیاتی توسط اداره مالیات<sup>۶</sup> و قضیه شرکت اکسان و کمیسیونر درآمدهای داخلی وزارت خزانه‌داری آمریکا<sup>۷</sup> و اعتراض آن شرکت علیه دادگاه فدرال مالیات در خصوص محاسبات نرخ بهره مربوط به اضافه پرداخت و کسر پرداخت مالیات در دادگاه تجدیدنظر اشاره کرد.<sup>۸</sup>

علاوه بر این برخی دعاوی خارج از صنعت نفت نیز با استناد به رویه‌های موجود در صنعت نفت حل و فصل شده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به دعوای شرکت برق لمب کانتی با کمیسیون عمومی بهره‌برداری اشاره داشت. دادگاه بر اساس بررسی‌های انجام شده و استماع نظر کارشناسان اعلام کرد:

1. Exxon Mobil Corp. v. United States Environmental Protection Agency, (2000), United States Court of Appeals for the Ninth Circuit, No. 99-70945, 217 F.3d 1246.
  2. Solid Waste
  3. Hazardous waste
  4. American Petroleum Institute v. United States Environmental Protection Agency, (2000), United States Court of Appeals for the District of Columbia Circuit, Nos. 94-1683, 94-1684, 94-1686, 98-1494, 98-1506, 98-1507, 98-1514, 342 U.S. App. D.C. 159, 216 F.3d 50.
  5. Dismantlement, Removal and Restoration (DRR) costs
  6. Ohio River Collieries Co. v. Commissioner, (1981), United States Tax Court · Docket No. 13483-78, 77 T.C. 1369.
  7. Exxon Mobil Corp. v. Commissioner, (2000), United States Tax Court, Docket Nos. 18618-89, 18432-90, 114 T.C. 293.
  8. Exxon Mobil Corp. v. Commissioner, (2006), United States Tax Court, Docket Nos. 18618-89, 18432-90, 23331-95, 126 T.C. 36.
- Exxon Mobil Corp. & Affiliated Companies v. Commissioner, (2007), United States Court of Appeals for the Fifth Circuit, No. 06-60276, 484 F.3d 731.  
Exxon Mobil Corp. & Affiliated Cos. v. Commissioner, (2012), United States Court of Appeals for the Second Circuit, Docket Nos. 11-2814, 11-2817, 689 F.3d 191.

”رویه کاملاً تثبیت شده‌ای برای شرکت‌های نفتی وجود دارد مبنی بر اینکه این شرکت‌ها سیستم‌های توزیع و انتقال برق مخصوص به خود را در واحدهای عملیاتی نفتی در حال توسعه در قالب قراردادهای اجاره داشته باشند که برق مورد نیاز خود را از یک نقطه تحویل اصلی دریافت می‌کنند.“<sup>۱</sup>

## ۲-۲. ساختار رگولاتوری در قالب مجوز بهره‌برداری یا لیسانس

شیوه دیگر واگذاری اجازه انجام فعالیت‌های نفتی در ساختار رگولاتوری ارائه مجوز بهره‌برداری یا لیسانس است. این روش بیشتر در کشورهای صنعتی مثل بریتانیا، کانادا و نروژ مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۲</sup> به عنوان نمونه در بریتانیا، مالکیت و حق اکتشاف منابع نفتی به صورت عمومی (در اختیار نهاد سلطنت) بوده<sup>۳</sup> و سازکار واگذاری این حقوق به شرکت‌های ذی صلاح در ابتدا در اختیار وزارت انرژی و تغییرات آب و هوایی<sup>۴</sup> بود که طبق قانون انرژی سال ۲۰۱۶ با تشکیل نهاد رگولاتوری به نام اداره نفت و گاز<sup>۵</sup> به این ارگان واگذار شد.<sup>۶</sup> برخلاف آمریکا (که در آن ارگان‌های مختلف فدرال و ایالتی مسئول ارائه مجوز عملیات نفتی در اراضی فدرال یا ایالتی و یا آب‌های متعلق به دولت فدرال یا دولت ایالتی هستند که منجر به اعمال قوانین متفاوتی بر عملیات شرکت‌های فعال دارد)، در سایر کشورهای با ساختار رگولاتوری، معمولاً فقط یک ارگان مسئول ارائه کلیه مجوزهای عملیاتی در کل کشور بوده و تبعاً قانون حاکم بر فعالیت‌ها نیز قانون ملی کشور است. در مورد بریتانیا اداره نفت و گاز مسئولیت انتخاب شرکت‌های با صلاحیت و واگذاری مجوزهای بهره‌برداری در اراضی داخل کشور و فلات قاره آن را بر عهده دارد. از جمله مسئولیت‌های مهم این نهاد رگولاتوری تسهیل حداکثر همکاری بین فعالین صنعت - شامل صاحبان لیسانس، اپراتورهای لیسانس‌ها، مالکان زیرساخت‌های نفتی در بخش

1. Lamb County Electric Cooperative, Inc. v. Public Utility Commission, Texas Courts of Appeals, No. 03-04-00593-CV 269, S.W.3d 260, (2008), p.275.

۲. شیروی پیشین، (۱۳۹۷)، ص ۳۶۱.

3. United Kingdom Petroleum Act. (1998). Article 2, At: <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1998/17/contents>

4. Department of Energy and Climate Change- DECC

5. Oil and Gas Authority- OGA

6. United Kingdom Energy Act. (2016). Article 2, At: <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2016/20/contents>

بالادستی و عوامل اجرایی راه‌اندازی و بهره‌برداری از زیرساخت‌ها- در رابطه با اکتشاف، توسعه و تولید به منظور دستیابی به هدف اصلی حداکثرسازی بازیافت اقتصادی نفت در بریتانیا<sup>۱</sup> است.<sup>۲</sup>

نهاد رگولاتوری (اداره نفت و گاز) علاوه بر نظارت و پیگیری حسن اجرای قوانین توسط صاحبان لیسانس و اپراتورهای آنها، در چارچوب اختیارات قانونی خود، اقدام به انتشار توصیه‌نامه‌ها<sup>۳</sup>، دستورالعمل‌ها و راهنماهای<sup>۴</sup> مربوط به بخش‌های مختلف عملیات می‌کند، هرچند به‌طور کلی جنبه الزام آور این اسناد همانند قوانین مصوب نمی‌باشد، لیکن از فعالان صنعت (صاحبان لیسانس و اپراتورها) انتظار می‌رود که مفاد این اسناد را اجرایی نمایند (مگر در صورت داشتن دلیل موجه برای عدم اقدام). به‌عنوان نمونه در ساختار اداره نفت و گاز بخشی به نام رویه‌های مناسب تجاری وجود دارد که در آن در مرحله اول انتظارات نظارتی<sup>۵</sup> این نهاد از صاحبان لیسانس و اپراتورهای آنها در رابطه با چرخه کامل عمر میدین نفت و گاز تشریح شده است.<sup>۶</sup> تبیین این انتظارات، به عقیده رگولاتور، موجب ارتقای رویه‌های مناسب در صنعت و کمک به استراتژی حداکثرسازی بازیافت اقتصادی شده و ضمن تشویق فعالیت‌های جاری صنعت موجب حمایت و پشتیبانی از بهبود عملکرد همراه با مراعات استانداردهای بالای ایمنی و محیط زیست هستند.<sup>۷</sup> در خصوص ماهیت حقوقی این انتظارات نیز اعلام شده که هدف آن ایجاد اثرات الزام آور حقوقی (به جز در مواردی که مستلزم تعهدات قانونی صاحب لیسانس و اپراتور هست) نبوده، بلکه انتظاراتی از صنعت و عملیات است که در صورت پیگیری، رسیدن به هدف حداکثر بازیافت را تسهیل می‌کند.<sup>۸</sup> با این حال در خصوص رویه‌های توصیه‌ای و غیرالزام آور باید اشاره کرد

1. Maximising the Economic Recovery of UK petroleum- MER UK

2. Strong, Christopher B. (eds.). The Oil and Gas Law Review. 4th edition. Law Business Research Ltd, London, UK (2016).

3. Recommendation

4. Guidelines

5. Stewardship expectations

۶. انتظارات نظارتی چگونگی انجام تعهدات صاحب لیسانس/اپراتور در قبال استراتژی حداکثر بازیافت اقتصادی (MER UK) را بیان می‌کند ( OGA SE, 2019, p.3).

7. United Kingdom Oil and Gas Authority, Stewardship Expectations Overview. (2019), p. 3, At:

[https://www.ogauthority.co.uk/media/5894/oga\\_se\\_overview\\_july\\_2019.pdf](https://www.ogauthority.co.uk/media/5894/oga_se_overview_july_2019.pdf)

8. Ibid

که در زمان بروز حادثه، دادگاه‌ها مراعات این رویه‌ها را اماره‌ای از تلاش شرکت در اجرای تکالیف خود مبنی بر رعایت رویه‌های مورد قبول صنعت نفت قلمداد کرده و در کاهش مسئولیت آنها نیز مؤثر خواهد بود. به عنوان نمونه در قضیه شرکت انرژی جنوبی در ایالت نیوساوت ولز<sup>۱</sup> استرالیا دادگاه به استناد دلایلی از جمله مراعات استانداردهای بین‌المللی زیست‌محیطی<sup>۲</sup> در خصوص شیوه‌های عمل در شرایط اضطراری<sup>۳</sup> ضمن مسئول دانستن آن شرکت در نشت نفت، جریمه متعلقه را از حداکثر تعیین شده در قانون (۱۲۵ هزار دلار) به ۱۵ هزار دلار کاهش داد.<sup>۴</sup>

در بُعد فنی نیز نهاد رگولاتوری از طریق توصیه‌نامه و یا دستورالعمل‌های مربوطه مسیر حرکت و نحوه انجام عملیات توسط فعالین صنعت را مشخص می‌سازد. به عنوان نمونه دستورالعمل مربوط به اندازه‌گیری<sup>۵</sup> اداره نفت و گاز بریتانیا توصیه‌هایی برای طراحی، ساخت و بهره‌برداری از تجهیزات اندازه‌گیری در مواردی که نیازمند تأیید وزارت انرژی است را ارائه نموده است. بر اساس نظر اداره نفت و گاز بریتانیا این دستورالعمل باید به عنوان نیازمندی‌های کلی حداقلی<sup>۶</sup> تلقی شوند و نباید آنها را به صورت تجویزی<sup>۷</sup> در نظر گرفت. با وجود اینکه مسئولیت انجام تعهدات در خصوص مفاد مربوط به اندازه‌گیری محصولات بر عهده صاحب‌لیسانس است، اداره نفت و گاز انتظار دارد که اپراتورها نیز همانند صاحبان‌لیسانس اصول ”رویه‌های مناسب نفتی“ را در این مورد مراعات کنند.<sup>۸</sup> در این دستورالعمل که بر اساس اختیارات قانونی وزارت انرژی (که بعداً به اداره نفت و گاز

1. New South Wales

2. ISO 14001

3. Emergency Response Procedures

4. Environment Protection Authority v. Great Southern Energy, (1999), NSWLEC 19, para. 19, At:

<https://www.caselaw.nsw.gov.au/decision/549f775a3004262463a87d86>

5. Guidance Notes for Petroleum Measurement

6. General minimum requirements

7. Prescriptive

8. United Kingdom Oil and Gas Authority, (2020), Measurement Guidelines, p. 3. At:

[https://www.ogauthority.co.uk/media/6235/oga-metering-guidelines-2019\\_revised\\_dec-19.pdf](https://www.ogauthority.co.uk/media/6235/oga-metering-guidelines-2019_revised_dec-19.pdf)

بند یک از پاراگراف ۱۴ ضمیمه یک مقررات مربوط به تولید (نفت) در مناطق دریایی مصوب سال ۱۹۸۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن مقرر می‌داشت که «صاحب‌لیسانس باید تمامی نفت و گاز تولیدی از منطقه‌لیسانس خود را از طریق روش یا روش‌های مرسوم در رویه‌های مناسب نفتی که در فواصل مختلف توسط وزارت انرژی تصویب می‌شود، اندازه‌گیری کند» (UK Petroleum Regulation, 1988).

منتقل شد) تهیه شده است، استانداردهای پیشنهادی سازمان‌های مختلف استاندارد برای بخش‌های گوناگون سیستم‌های اندازه‌گیری مورد استفاده قرار گرفته است که هرچند به طور مستقل و منفرد ماهیتی داوطلبانه دارند، لیکن با ارجاع به آنها در این دستورالعمل جنبه الزام آور یافته‌اند.<sup>۱</sup>

در ساختار رگولاتوری بر اساس سیستم ارائه لیسانس (همانند سیستم اجاره در آمریکا) مباحث مربوط به محاسبه سود و پرداخت مالیات تحت نظارت سیستم مالی دولت و به صورت جدا از نهاد رگولاتوری می‌باشد.

نظر به اهمیت موضوعات زیست‌محیطی به ویژه در سال‌های اخیر معمولاً در ساختارهای رگولاتوری نهادهای مستقل دیگری (مثل آژانس‌های حفظ محیط زیست) مسئولیت تعیین ضوابط زیست‌محیطی و نظارت بر اجرای آنها را بر عهده دارند. به عنوان نمونه در بریتانیا رگولاتور مربوط به محیط زیست و برچیدن تأسیسات نفتی فلات قاره<sup>۲</sup> در وزارت تجارت، انرژی و استراتژی صنعتی<sup>۳</sup> مسئول مقررات ایمنی مربوط به فلات قاره است. با این حال با توجه به عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا و سند اروپایی دستورالعمل ایمنی فلات قاره<sup>۴</sup> اداره دیگری تحت عنوان رگولاتور دستورالعمل ایمنی فلات قاره<sup>۵</sup> به عنوان مرجع ذی صلاح<sup>۶</sup> در اجرای مفاد دستورالعمل اروپایی در اداره محیط زیست<sup>۷</sup> آن کشور تشکیل شده است.<sup>۸</sup>

از جمله فعالیت‌های ارگان‌های متنوع در بخش زیست‌محیطی تهیه اسنادی تحت عنوان بهترین رویه‌های موجود در صنعت است. یک نمونه مهم در این رابطه سند مربوط به بهترین روش‌های موجود در اکتشاف و تولید هیدروکربن در بخش بالادستی تهیه شده

۱. برخی از این سازمان‌های استاندارد شامل ISO، BSI، EI و API هستند.

2. Offshore Petroleum Regulator for Environment & Decommissioning- OPRED

3. Business, Energy & Industry Strategy- BEIS

4. Offshore Safety Directive- OSD

5. Offshore Safety Directive Regulator- OSDR

6. Competent Authority

7. Health and Safety Executive- HSE

۸. هرچند عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا رسماً خاتمه یافته است، اما دو طرف در خصوص شمول قوانین یکدیگر و توافقات جایگزین در حال مذاکره می‌باشند.

توسط کمیسیون اروپا است.<sup>۱</sup> هدف از انتشار این سند تجمیع و یک پارچه کردن تجربیات، استانداردها و مقررات مورد استفاده در صنعت نفت طی سال‌های مختلف در قالب یک مجموعه اروپایی بوده است.<sup>۲</sup> این گونه اسناد نه تنها برای استفاده شرکت‌های فعال در زمینه نفت و گاز بلکه برای نهادهای رگولاتوری در تبیین و تعیین استانداردهای عملیاتی حوزه حاکمیتی خود قابل استفاده است. هر چند ماهیت این گونه اسناد به صورت غیرالزام آور هستند، اما با تجویز نهادهای رگولاتوری تبدیل به بخشی از تعهدات شرکت‌ها شده و به جز این می‌توانند برای این نهادها به عنوان مقیاسی برای بررسی تطابق عملکرد<sup>۳</sup> شرکت‌ها با استانداردها و رویه‌های موجود در صنعت به کار رود.<sup>۴</sup>

با وجود اینکه این گونه اسناد و یا سازمان‌های مرتبط با آنها ماهیتی داوطلبانه دارند، لیکن پذیرش، کاربرد و الحاق به مؤسسات مربوطه، رویه جاری صنعت است. به عنوان نمونه با وجود این که انجمن مسئولیت آلودگی فلات قاره<sup>۵</sup> یک طرح داوطلبانه برای مقابله با ریسک‌ها و مسئولیت‌های ناشی از آلودگی‌های نفتی در فلات قاره (مثل نشت مواد نفتی) است، اما در عمل اداره نفت و گاز بریتانیا هم‌اکنون اپراتورها را ملزم به عضویت در این طرح کرده است.<sup>۶</sup>

موارد فوق نشان می‌دهد که نهادها و ارگان‌های رگولاتوری از طریق تهیه و تدوین استانداردها و رویه‌های مورد استفاده در صنعت و یا توصیه به استفاده از رویه‌ها و

---

۱. البته تهیه و تدوین بهترین رویه‌ها تنها به ارگان‌های دولتی یا بین‌المللی منحصر نبوده بلکه همانند سازمان‌های غیردولتی (داخلی و بین‌المللی) مربوط به استانداردها، مؤسسات و نهادهای خصوصی نیز در رابطه با تعیین این گونه تکنیک‌ها فعال می‌باشند. به عنوان نمونه می‌توان به دستورالعمل بهترین رویه در عملیات نفتی در مناطق دریایی تهیه‌شده توسط مؤسسه بین‌المللی FFI اشاره نمود (FFI, 2017).

2. European Union Best Available Techniques Guidance Document on upstream hydrocarbon exploration and production-BATs on UHEP, Publications Office of the European Union, Luxembourg, (2019), p.12.

3. Compliance

4. BATs on UHEP, op cit, p. 13.

5. Offshore Pollution Liability Association Limited- OPOL.

۶. در قالب این طرح اپراتورها باید تضامین مالی (عمدتاً از طریق اخذ پوشش‌های بیمه‌ای) برای مسئولیت‌های خود در رابطه با آلودگی ارائه نمایند. همچنین در صورت بروز سانحه بسته به میزان مسئولیت (از مسئولیت مطلق تا محدود) باید نسبت به پرداخت به مقامات دولتی یا اشخاص ثالث زیان دیده (تا سقف ۲۵۰ میلیون دلار در هر سانحه) اقدام نمایند. در صورت عدم پرداخت یک اپراتور، سایر اپراتورها مسئول پرداخت تا سقف تعیین شده هستند (Strong, 2016, p.302).

عملکردهای قابل قبول تهیه شده توسط سایر سازمان‌ها به شکل‌گیری رفتار و عملکرد استاندارد در صنعت کمک می‌کنند. ضمانت اجرای این رویه‌ها و استانداردهای عملکرد در صلاحیت این نهادها برای تعیین صاحبان ليسانس و نظارت بر عملکرد آنها نهفته است. به عنوان نمونه در بریتانیا اداره نفت و گاز وفق قانون نفت ۱۹۹۸ و قانون انرژی ۲۰۱۶ حق نظارت و کنترل فعالیت‌های صاحبان ليسانس و اپراتورها را در اختیار دارد. علاوه بر این تمامی متقاضیان ليسانس باید در اداره ثبت شرکت‌های بریتانیا، چه به عنوان شرکت بریتانیایی و چه به عنوان شعبه بریتانیایی یک شرکت خارجی، ثبت شده و بنابراین مشمول تمامی مقررات آن کشور است.<sup>۱</sup> در مورد دعاوی بین طرفین، اداره نفت و گاز در صورت ارجاع موضوع توسط یکی از طرفین به وی صلاحیت ورود به موضوع اختلاف (پذیرش یا رد) و تصمیم‌گیری در رابطه با آن را دارد. در ارتباط با اجرای هدف حداکثرسازی بازایافت اقتصادی نیز این نهاد صلاحیت تصمیم‌گیری و اعمال نظر دارد. با این حال به جز در موارد مربوط به مقررات زیست‌محیطی که شامل مسئولیت جزایی<sup>۲</sup> بوده، مسئولیت صاحبان ليسانس و اپراتورها در قبال فعالیت‌های خود از نوع مسئولیت مدنی<sup>۳</sup> است.<sup>۴</sup> در تمامی موارد حق اعتراض به تصمیمات نهادهای رگولاتوری در قانون پیش‌بینی شده است. اعتراض به تصمیمات نهاد رگولاتوری در اختلاف شرکت‌های فعال، ارائه اطلاعات و نمونه‌ها به نهاد رگولاتوری، صدور اعلامیه تخلف از الزامات قراردادی<sup>۵</sup>، اعلامیه خلع اپراتور و ... همگی در دادگاه و شعبه مخصوص رگولاتوری<sup>۶</sup> قابل انجام است. به عنوان نمونه می‌توان به دعاوی شرکت سینوپک-رپسول علیه رگولاتور مربوط به محیط زیست و برچیدن تأسیسات نفتی فلات قاره اشاره کرد که در آن شرکت یادشده به اعلامیه صادره توسط نهاد رگولاتوری مبنی بر عدم صلاحیت استفاده از مزایای مندرج در مقررات

---

1. Strong, Christopher B., op cit, p. 297.

2. Criminal liability

3. Civil liability

4. Strong, Christopher B., op cit, p. 302.

5. Sanction warning notices

6. First-tier Tribunal (General Regulatory Chamber)

تجارت آلاینده‌ها<sup>۱</sup> (به دلیل کاهش ظرفیت تولیدی) اشاره نمود که دادگاه پس از بررسی موضوع، به برائت نهاد رگولاتوری و درستی اعلامیه صادره آن رأی داد.<sup>۲</sup>

### ۳. ساختار دولتی (قراردادی)

در این ساختار مالکیت تمامی منابع زیرزمینی نفت و گاز متعلق به ملت بوده و دولت به نمایندگی از مردم توسعه و بهره‌برداری از این منابع را انجام می‌دهد. در قالب این ساختار، دولت (از طریق شرکت ملی نفت یا ارگان مربوطه) یا مستقیماً این امر را بر عهده داشته و یا از طریق عقد قرارداد با شرکت‌های ذی‌صلاح نسبت به اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی نفت و گاز اقدام می‌کند. در صورت استفاده از شرکت‌های ذی‌صلاح (چه داخلی و چه خارجی) انجام عملیات نفتی موجب ایجاد حق مالکیت بر این منابع توسط این شرکت‌ها نبوده و در تمامی مراحل عملیات، مالکیت دولت بر منابع تثبیت شده است. اگر شرکت‌های طرف قرارداد این حق را داشته باشند که درصدی از نفت تولیدشده یا درصدی از درآمد حاصل از فروش نفت یا درصدی از سود حاصل از عملیات نفتی را دریافت کنند، آنگاه اصطلاحاً می‌گویند که این ترتیبات حقوقی و مالی در چارچوب «سیستم قراردادی»<sup>۳</sup> تنظیم شده است.<sup>۴</sup> این ساختار در کشورهایی مثل جمهوری آذربایجان، هندوستان، کشورهای عضو اوپک به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله مشخصات این ساختار، عملکرد انحصاری شرکت ملی یا دولتی نفت بوده به نحوی که تمامی زنجیره فعالیت‌های صنعت به صورت متمرکز توسط این‌گونه شرکت‌ها برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرایی می‌شود و حسب نیاز از خدمات پیمانکاران و شرکت‌های خدماتی استفاده می‌گردد<sup>۵</sup> (البته ممکن است در برخی از

1. Greenhouse Gas Emissions Trading Scheme Regulations

2. Repsol Sinopec Resources UK Limited V. OPRED, (2019), First-Tier Tribunal General Regulatory Chamber Environment, Appeal number: GGE/2019/0001/BEIS. At:

[http://www.bailii.org/uk/cases/UKFTT/GRC/2019/GGE\\_2019\\_0001.html](http://www.bailii.org/uk/cases/UKFTT/GRC/2019/GGE_2019_0001.html)

3. Contractual System

۴. درخشان، مسعود. «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی». فصلنامه مطالعات اقتصادی اسلامی. سال ۶. شماره ۲. پیاپی ۱۲. (۱۳۹۳). ص. ۲۷.

۵. به‌عنوان نمونه در ایران تا قبل از ابلاغ قوانین مربوط به اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی تمامی زنجیره ارزش در صنعت نفت از بخش بالادستی تا پایین دستی، خطوط عملیات و انتقال و بخش پتروشیمی در اختیار دولت و تحت مدیریت



کشورها میزان انحصار متفاوت باشد). شرکت‌های ملی در فعالیت‌های خود و بنا به صلاحدید خود عرف‌ها و رویه‌های مورد استفاده در صنعت نفت را به کار می‌گیرند و اصولاً زمینه‌ای برای بروز اختلاف در تعیین و اجرای این رویه‌ها (به دلیل ساختار انحصاری) وجود ندارد و هرگونه اختلاف نظر بین ارگان‌های مختلف زیرمجموعه، از طریق سازکار حل اختلاف پیش‌بینی شده در ساختار اداری، حل و فصل می‌گردد.<sup>۱</sup> تنها استثناء در این زمینه قراردادهایی است که با شرکت‌های بین‌المللی نفت منعقد می‌گردند. این نوع قراردادها یا به استناد اختیارات و مجوزهای خاص<sup>۲</sup> و یا در قالب قانون خاص مصوب نهادهای قانون‌گذاری<sup>۳</sup> منعقد شده و طبیعتاً حاوی شرایط خاص بوده و اصولاً به صورت استثنای در عملکرد کل صنعت داخلی تلقی می‌گردند. وجود این حالت خاص در این نوع قراردادها باعث می‌شود که نحوه مواجهه با شرکت‌های فعال در صنعت در این کشورها به صورت یکسان نبوده و منجر به رویکردهای تبعیض آمیز بسته به نوع شرکت فعال گردد. یکی دیگر از تبعات این نوع ساختار این است که شرکت‌های فعال در این چارچوب اصولاً به صورت ارگانیک در ساختار اقتصادی کشور ادغام نشده و به صورت جزیره‌ای مستقل فعالیت می‌کنند. به عنوان نمونه می‌توان به نحوه پرداخت مالیات و محاسبات آن اشاره کرد که در قراردادهایی مثل قرارداد مشارکت در تولید شاه‌دینیز (هر چند هر یک از اعضای کنسرسیوم مسئول تهیه اظهارنامه مالیاتی خود می‌باشد) از هرگونه

---

وزارت نفت قرار داشت که پس از ابلاغ این قوانین، امکان حضور بخش خصوصی در تمامی بخش‌ها بجز بخش بالادستی فراهم گردید.

۱. به عنوان نمونه می‌توان به شیوه‌نامه‌های حل اختلاف‌های قراردادی تهیه شده توسط وزارت نفت به استناد جزء شش بند «ب» ماده سه قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱) اشاره کرد که در آن چگونگی حل و فصل اختلافات بین شرکت‌های اصلی زیرمجموعه وزارت نفت و طرف‌های قراردادی اشاره شده است. برای مطالعه بیشتر در خصوص این دستورالعمل و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه خارجی رک به (طجرلو و عبدی، ۱۳۹۷)

۲. قراردادهای موسوم به IPC که بر اساس تصویب‌نامه هیئت دولت مصوب ۱۳۹۵ در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز و قراردادهای بیع متقابل که بر اساس مجوزهای ارائه شده در قوانین برنامه‌های پنج ساله تهیه شده‌اند را می‌توان از این نوع قراردادها دانست.

۳. از جمله این نوع قراردادها می‌توان به قرارداد میدان گازی شاه‌دینیز در جمهوری آذربایجان و نیز قراردادهای منعقد شده تا قبل از قانون نفت سال ۱۳۵۳ در ایران اشاره کرد که در مجالس این کشورها تصویب و به صورت قانون در آمده بود. گفتنی است هرچند این قراردادهای اخیر وفق قانون نفت منعقد شده بود، اما شرایط هر قرارداد مختص به خود و با استناد به سایر قوانین قابل تغییر نبود.

تغییر در قوانین مالیاتی مصون بوده و مقررات قرارداد بر سایر قوانین اولویت داشته و حتی طرف اول قرارداد (شرکت ملی نفت آذربایجان) مسئول پرداخت مالیات از طرف پیمانکار به دولت است.<sup>۱</sup> در ایران و در مقررات مربوط به قراردادهای موسوم به "آی. پی. سی."<sup>۲</sup> با وجود اینکه شرکت پیمانکار مسئول پرداخت مالیات، عوارض و سایر پرداخت‌های قانونی است، اما این هزینه‌ها در قالب سر فصل "هزینه‌های غیرمستقیم" مجدداً به شرکت خارجی بازپرداخت می‌گردد.<sup>۳</sup> (جزء "ض" ماده ۱ تصویب نامه مصوب ۱۳۹۵). در واقع در چارچوب این ساختار رابطه شرکت خارجی با اقتصاد داخلی از طریق شرکت ملی نفت انجام می‌شود.

در چارچوب این ساختار در قراردادهای منعقد، طرف اول تلاش می‌کند تا در هر قرارداد تعهدات قراردادی با جزئیات کامل و تا حد ممکن به صورت مشروح تبیین و تشریح گردد و در جاهایی که امکان انجام این کار در زمان تدوین قرارداد ممکن نیست، انجام آنها (مثل برنامه و بودجه سالانه، طرح توسعه و ...) را منوط به تأیید و تصویب خود می‌نماید. علاوه بر این، مشروط نمودن ایفای برخی از تعهدات طرف دوم به تطابق با رویه‌های بین‌المللی مورد استفاده در صنعت (فارغ از انتخاب قانون حاکم بر قرارداد) موجب ورود این مجموعه قواعد بین‌المللی به قرارداد به عنوان شروط قراردادی می‌گردد.<sup>۴</sup> اگر انجام فعالیت‌ها طبق رویه‌های بین‌المللی نفت را متناظر با شرط صفت در حقوق داخلی تلقی کنیم،<sup>۵</sup> اولین گام در این رابطه علم طرفین به صفت (در اینجا رویه‌های بین‌المللی

1. Azerbaijan Shah Deniz PSA. (1996), Article 12, At:

[https://www.bp.com/content/dam/bp/country-sites/en\\_az/azerbaijan/home/pdfs/legalagreements/psas/sd-psa.pdf](https://www.bp.com/content/dam/bp/country-sites/en_az/azerbaijan/home/pdfs/legalagreements/psas/sd-psa.pdf)

2. Iran Petroleum Agreement- IPC

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص مالیات در رژیم‌های مختلف اکتشاف و تولید رک به ابراهیمی و جانفدا (۱۳۹۹).

۴. القشیری، احمد و ریاض، طارق. «قانون حاکم بر نسل جدید قراردادهای نفتی: چرخش در روند داوری». ترجمه محسن محبی. مجله حقوقی. دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران. شماره ۲۹. (۱۳۸۲). ص ۵۷. هر چند به نظر ایشان نام بردن از اینگونه مقررات صرفاً از طریق ارجاع، این تلقی را ایجاد می‌کند که «قصد طرفین ناظر به محتوی آن منبع حقوقی به همان صورت که در تاریخ انعقاد قرارداد وجود داشته، بوده و در نتیجه تغییرات بعدی شامل آن نخواهد بود» (القشیری و ریاض، ۱۳۸۲، ص ۵۸). در حالی که به نظر می‌رسد در ارجاع به رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت قصد طرفین تغییرات بعدی این گونه مقررات در زمان ایفای تعهد قراردادی می‌باشد.

۵. در مباحث این قسمت از جلد سوم کتاب قواعد عمومی قراردادها آثار قرارداد (۱۳۹۵) بخش شروط ضمن عقد نوشته دکتر کاتوزیان استفاده شده است.

صنعت) است. در خصوص استاندارد عملکردی طرف دوم (یا همان تعهدات مربوط به اپراتور معقول و محتاط) نیز در صورت تناظر آن با شرط فعل، تفاهم طرفین در حدود و ثغور استاندارد عملکرد اپراتور الزامی است. در هر دو مورد برای اجرای تعهدات، نیاز به درک مشترک و تفاهم در ارتباط با هر یک از مفاهیم فوق بوده و قدم اول در این راه، انجام مذاکره و توافق بر سر آن در زمان بروز اختلاف می‌باشد. به‌عنوان نمونه در قرارداد کنسرسیوم و در اختلاف بین شرکت ملی نفت و شرکت‌های عامل در خصوص روش صحیح ازدیاد برداشت از مخازن نفتی ایران (تزریق گاز در برابر تزریق آب)، شرکت ملی نفت با استناد به شرط انجام فعالیت‌های نفتی بر اساس «رویه‌های مناسب نفتی»<sup>۱</sup> در قرارداد، پس از انجام مطالعات گسترده، بررسی تجربیات مشابه سایر شرکت‌های بین‌المللی (مثل شل) و مذاکرات طولانی با کنسرسیوم، نهایتاً توانست با استناد به این مفهوم و اثبات رویه موجود در صنعت در این خصوص، شیوه افزایش بازیافت را از تزریق آب به تزریق گاز تغییر دهد.<sup>۲</sup>

ابهام در شناسایی این گونه رویه‌ها، زمان بر بودن مذاکرات و ابهام در رسیدن به توافق بر سر آنها موجب شده که در برخی کشورها رویه‌های بین‌المللی مناسب صنعت نفت در قالب اسنادی تهیه و منتشر شوند. به‌عنوان نمونه در کشور هند که در آن رژیم بهره‌برداری از منابع نفتی بر مبنای رژیم قرارداد مشارکت در تولید است، حسابرس کل متعاقب حسابرسی یکی از بلوک‌های واگذار شده در قالب قراردادهای مشارکت در تولید اعلام داشت: «رویه‌های بین‌المللی مناسب صنعت نفت»<sup>۳</sup> یک «استاندارد طلایی»<sup>۴</sup> واضح، شفاف و بدیهی نیست، اما «قضاوت معقولی»<sup>۵</sup> است که توسط اپراتورها انجام می‌شود. گزارش

---

#### 1. Good Petroleum Practice

۲. سعیدی، علی محمد. «سه مقاله در صنعت نفت کشور». فصلنامه مجلس و پژوهش. سال ۹. شماره ۳۴. (۱۳۸۱). ص. ۸۰. این اختلاف از سال ۱۳۴۰ آغاز و نهایتاً موافقت کنسرسیوم با تزریق گاز در سال ۱۳۵۲ نهایی شد. هرچند کنسرسیوم در آن زمان تنها تزریق گاز را در بخشی از مخزن (Swelling) پذیرفت و تأثیر تزریق در کاهش کشش بین سطحی (IFT) را پس از گذشت چند سال و انجام تحقیقات بیشتر در انستیتو نفت فرانسه پذیرفت (درخشان، ۱۳۹۳، ص. ۵۰).

#### 3. Good International Petroleum Industry Practices- GIPIP

#### 4. Golden standard

#### 5. Reasonable Judgement

#### 6. India Standing Committee on GIPIP (Good International Petroleum Industry Practices), (2016), p.6. At:

<http://dghindia.gov.in/assets/downloads/gipip.pdf>

کمیته ارزیابی قراردادهای مشارکت در تولید این کشور نیز نتیجه گرفت که هرچند در زمینه‌های مربوط به ایمنی، استانداردها و مقرراتی توسط اداره ایمنی صنعت نفت<sup>۱</sup> وضع شده، اما استانداردهای مدونی از رویه‌های بین‌المللی مناسب صنعت نفت در فعالیتهای اکتشاف، توسعه و تولید وجود نداشته که همین امر ضمانت اجرا و پایداری به آن را تا حد زیادی تبدیل به امری ذهنی<sup>۲</sup> و مستعد بروز اختلافات نموده است و تدوین چنین دستورالعمل‌هایی قضاوت در مورد آن را به امری عینی<sup>۳</sup> تبدیل می‌کند.<sup>۴</sup> در نتیجه این گزارش‌ها و نظرات، دولت هند و وزارت نفت و گاز آن کشور اقدام به تشکیل «کمیته دائمی رویه‌های صنعت نفت»<sup>۵</sup> کرد که وظیفه آن مشخص نمودن حوزه‌هایی که نیازمند تدوین رویه‌های بین‌المللی مناسب صنعت نفت است، تدوین مقررات مربوطه در سطح ملی و بررسی و بروز نمودن آنها در فواصل دو ساله با هدف تطابق با آخرین تحولات استانداردهای بین‌المللی بود.<sup>۶</sup>

با وجود اینها الزام پیمانکار به ایفای شروط قراردادی، دریافت خسارت بابت نقض تعهدات مربوط به رویه‌ها و نهایتاً فسخ قرارداد باید از طریق طرح دعوی در مراجع قانونی (یعنی محاکم و دادگاه‌های صالحه داخلی) انجام شود (امری که در خصوص ساختارهای خصوصی و رگولاتوری که شرح آن گذشت امکان‌پذیر است) که با توجه به گنجاندن مقررات مربوط به داوری در این نوع قراردادها عملاً امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین هرگونه اختلاف مرتبط با رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت (پس از طی کردن مراحل مندرج در قرارداد مثل مذاکره، رجوع به کارشناس و ...) باید به جای طرح در محاکم داخلی کشور میزبان، در دیوان داوری حل و فصل گردد. این امر تبعات مهمی در چگونگی حل اختلاف طرفین خواهد داشت. اولین و شاید مهم‌ترین مسئله در این رابطه تفاوت نگاه محاکم داخلی و دیوان‌های داوری نسبت به موضوع مورد اختلاف و شیوه تصمیم‌گیری در مورد حل این اختلاف (از جمله قانون حاکم بر قرارداد، قانون حاکم بر داوری و ...) باشد. در حالی که در روش اول (محاکم داخلی) این‌گونه موارد به روشنی در قوانین و مقررات پیش‌بینی

1. Oil Industry Safety Directorate- OISD

2. Subjective

3. Objective

4. India Standing Committee on GIPI, op cit, p. 6.

5. Standing Committee on Petroleum Industry Practices

6. India Standing Committee on GIPI, op cit, p. 7.

شده است، در فرآیند داوری مواردی از جمله چگونگی تشکیل دیوان، محل داوری و مسائلی از این دست بر نحوه انجام آن و نتایج مؤثر خواهد بود.<sup>۱</sup> علاوه بر این معمولاً امکان و نحوه اعتراض به آرای محاکم ملی در قانون پیش‌بینی شده است، در حالی که در بسیاری از موارد امکان تجدیدنظر در آرای مراجع داوری امکان‌پذیر نیست. تفاوت ضمانت اجرای آرای صادره از این دو مرجع نیز از دیگر تبعات این مسئله است. در حالی که ضمانت اجرای آرای صادره از محاکم ملی پشتوانه قوه قاهره دولت در سیستم داخلی است، آرای صادره از مراجع داوری راه طولانی تری برای اجرایی شدن دارند.<sup>۲</sup>

با وجود همه این موارد، امکان طرح اختلافات در خصوص الزام رعایت رویه‌های بین‌المللی نفت در قالب داوری وجود دارد. به عنوان نمونه در قضیه شرکت بریداس و ترکمنستان دیوان داوری ادعای ترکمنستان مبنی بر در نظر گرفتن قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک یا شلر<sup>۳</sup> به عنوان یک قرارداد عملیات مشترک و دریافت اطلاعات و حق حساب‌رسی هزینه‌های قرارداد به عنوان یک شریک غیرعامل<sup>۴</sup> مطابق با رویه‌های موجود صنعت نفت در این گونه قراردادهای را با این استدلال نپذیرفت که خصوصیات قرارداد یادشده (از جمله تأمین مالی کلیه هزینه‌ها توسط بریداس) با مشخصات قراردادهای عملیات مشترک استاندارد در صنعت نفت مشابه نبوده و بنابراین آثار ناشی از آن قراردادهای استاندارد (مثل دریافت اطلاعات و حساب‌رسی) نیز با قرارداد موجود متفاوت است.<sup>۵</sup> دیوان همچنین ادعای دیگر ترکمنستان مبنی بر فسخ قرارداد به دلیل نقض تعهدات

۱. این امر به‌ویژه در قراردادهایی که قانون حاکم توسط طرفین تعیین نشده است منجر به لیست طولانی از قوانین مختلف خواهد شد. به عنوان نمونه یکی از نویسندگان در بررسی قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت پان‌آمریکن، یازده گزینه از انواع قوانین حاکم را برشمرده است (Ramazani, 1962, p.504-505).

۲. به عنوان نمونه دولت ایران از اجراء رأی داوری در قضیه سافایر خودداری نمود (International Legal Materials. (1970) 9(6), p.1118-1124). با این حال برای تسهیل در اجرای آراء داوری فعالیت‌هایی مثل کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک برای پذیرش و اجرای آراء داوری تهیه و به امضای برخی از کشورها رسیده است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر ک به (زهرایی، ۱۳۸۳)

3. Joint Venture Yashlar

4. Non-operator partner

5. Joint Venture Yashlar and Bridas S.A.P.I.C. v. Turkmenistan, ICC Case No. 9151/FMS/KGA, Interim Award of 8 June 1999, paras. 126-130, At: [https://jsumundi.com/en/document/decision/en-joint-venture-yashlar-and-bridas-s-a-p-i-c-v-turkmenistan-interim-award-tuesday-8th-june-1999#decision\\_5140](https://jsumundi.com/en/document/decision/en-joint-venture-yashlar-and-bridas-s-a-p-i-c-v-turkmenistan-interim-award-tuesday-8th-june-1999#decision_5140)

قراردادی در انجام عملیات و به‌ویژه در حفّاری چاه‌ها را رد کرد.<sup>۱</sup> ترکمنستان و کارشناسان آن معتقد بودند که فعّالیت‌های بریداس و اشتباهات مکرر وی در حفّاری این چاه‌ها که منجر به طولانی شدن فعّالیت و هزینه‌های اضافه شده، نقض تعهدات وی به عنوان اپراتور معقول و محتاط بوده است<sup>۲</sup> و این بی‌تدبیری و تصمیمات فاقد صلاحیت،<sup>۳</sup> حقّ فسخ قرارداد برای طرف ترکمن را ایجاد کرده است. از طرف دیگر بریداس و کارشناسان آن معتقد بودند که تصمیمات اتخاذشده در جریان حفّاری مطابق با شرایط حفّاری، معقول، منطقی و وفق رویه‌های موجود در صنعت نفت بوده‌اند. دیوان اعلام کرد مقتضیات و پیچیدگی‌های حفّاری در این چاه‌ها که از نوع اکتشافی<sup>۴</sup> بوده‌اند، تصمیمات گرفته‌شده بریداس را توجیه می‌کند. به عقیده دیوان هرچند فعّالیت‌های حفّاری مستلزم برنامه‌ریزی، سازماندهی، اجرا و کنترل است، لیکن شرایط چاه و امکان بروز موارد پیش‌بینی‌نشده نیازمند تصمیمات فوری و آنی بوده که ممکن است با نگرش پسینی<sup>۵</sup> نامناسب تشخیص داده شوند، اما در شرایط بروز این حوادث تصمیمات درستی بوده‌اند.<sup>۶</sup> از نظر دیوان اختلاف نظر طرفین در خصوص تصمیمات گرفته‌شده در جریان حفّاری ناشی از رویکردهای متفاوت به حلّ مسئله است و چنین اختلافات رویکردی را نمی‌توان پس از گذشت زمان و علم به بهتر بودن روش دیگر حل کرد. سؤال اصلی همیشه این است که آیا تصمیم گرفته‌شده در شرایط عملیاتی حاکم، معقول بوده است یا نه.<sup>۷</sup> نکته دیگری که در رأی صادره در دیوان قابل توجه است استناد به تأیید تصمیمات عملیاتی توسط هیئت‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری مشترک یاشلر متشکل از سه عضو از سوی بریداس و یک عضو از طرف ترکمن به عنوان رئیس هیئت‌مدیره است.<sup>۸</sup>

مشابه این رویکرد نیز در قضیه شرکت فیلیپس و شرکت ملی نفت ایران در خصوص شرکت ایمینوکو در دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا مطرح شده است. در این قضیه

1. Ibid, pars. 448.

2. Ibid, para. 442.

3. Imprudently and incompetently.

4. Exploratory or "wild-cat" wells

5. hindsight

6. Joint Venture Yashlar and Bridas S.A.P.I.C. v. Turkmenistan, op cit, para. 436.

7. Ibid, para. 449. Whether the choice, when made, was a prudent one under the circumstances

8. Ibid, para. 194.

شرکت ملی نفت ایران در یکی از ادعاهای متقابل<sup>۱</sup> خود، ادعای خسارت ناشی از انجام رویه‌های نامناسب نفتی<sup>۲</sup> را مطرح کرده بود.<sup>۳</sup> شرکت ملی نفت ایران با استناد به تعهدات طرف دوم قرارداد مبنی بر انجام عملیات خود وفق رویه‌های مناسب صنعت نفت (ماده ۱۳-۱ قرارداد) مدعی بود که طرف دوم در جریان عملیات خود در یازده محور از فعالیت‌های خود خلاف رویه‌های مناسب نفتی عمل نموده و از این بابت اید نسبت به جبران خسارت اقدام کند.<sup>۴</sup> شرکت فیلیپس ضمن اعلام اینکه اقدامات برشمرده شده توسط شرکت ملی نفت بر خلاف رویه‌های نفتی نبوده است، معتقد بود که تمامی این اقدامات توسط دستگاه مختلط تشکیل شده بر اساس قرارداد (شرکت ایمینوکو) انجام شده و نه طرف دوم قرارداد (متشکل از فیلیپس، آجیب و کمیسون دولتی نفت و گاز هند) و تمامی تصمیمات ایمینوکو در هیئت‌مدیره آن شرکت<sup>۵</sup> (متشکل از نمایندگان شرکت ملی نفت و نمایندگان طرف دوم) تصویب و اجرا شده و در زمان طرح و تصویب چنین تصمیماتی مورد اعتراض شرکت ملی نفت واقع نشده است؛ بنابراین بر اساس اصول حقوقی اعتبار امر مختومه و عدم قابلیت استماع<sup>۶</sup>، آن شرکت مجاز به طرح دعوی در این رابطه نمی‌باشد.

1. Counterclaim
2. Bad oilfield practices
3. Phillips Petroleum Company Iran v. Islamic Republic of Iran and the National Iranian Oil Company. (1989). IUSCT (Iran-US Claims Tribunal), Award No. 425-39-2, Para. 2.
4. Ibid, para. 192.

این ادعاها و برآورد میزان خسارت هر یک به شرح ذیل بود:

- Drilling of unnecessary wells--U.S.\$17,155,703
- Use of oversized equipment--U.S.\$18,251,369
- Use of subsea well completions--U.S.\$23,938,999
- Use of low separator pressures--U.S.\$18,899,103
- Oil dumping--U.S.\$868,930
- Inadequate maintenance--U.S.\$19,679,034
- Unnecessary acid treatments--U.S.\$1,148,354
- Delayed well workover--U.S.\$4,744,000
- Unsuitable pump selection--U.S.\$4,007,702
- Impairment of oil recovery by high recovery rate--U.S.\$68,000,000

۵. ترکیب هیئت‌مدیره ایمینوکو متشکل از هشت عضو بود که چهار نفر آن به نمایندگی از شرکت ملی نفت و چهار عضو به نمایندگی از طرف دوم قرارداد بودند. ریاست هیئت‌مدیره با نماینده شرکت ملی نفت و مدیرعامل از سوی طرف دوم تعیین می‌شد (ماده ۶).

6. Preclusion and estoppel

فیلیس همچنین مدعی بود که بر اساس دکترین لاجز<sup>۱</sup> شرکت ملی نفت از طریق عملکرد خود از حق طرح دعوی صرف نظر کرده است.<sup>۲</sup>

شرکت ملی نفت، در پاسخ این ادعاها، با طرح اینکه قانون حاکم بر قرارداد قانون ایران بوده اعلام داشت که چنین اصول و دکترینی در قانون ایران موجود نیست.<sup>۳</sup> دیوان، در پاسخ، ضمن بررسی بندهای یک و دو ماده ۴۳ و ماده ۳۷ قرارداد اعلام داشت که برخلاف نظر شرکت ملی نفت ایران، قرارداد نشان دهنده حاکمیت قانون ایران بر آن نیست<sup>۴</sup> و صرف نظر از میزان اعمال قانون ایران و یا حقوق بین الملل بر قرارداد، دکترین اعتبار امر مختومه<sup>۵</sup> فارغ از اینکه بر مبنای مفاهیمی مانند رضایت، منع و یا چشم پوشی باشد، به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی، پذیرش عام یافته و دیوان بر اساس ماده پنج بیانیه حل اختلاف الجزایر مجاز به در نظر گرفتن آن است.<sup>۶</sup>

با توسل به چنین استدلال‌هایی<sup>۷</sup>، دیوان بدون ورود به جزئیات فنی ادعاهای مطرح شده توسط شرکت ملی نفت ایران، به بررسی این مسأله پرداخت که آیا آن شرکت مجاز به طرح ادعاهای مبنی بر رویه‌های نامناسب نفتی داشته است یا نه و برای این کار ابتدا باید شواهد مربوط به در اختیار داشتن اطلاعات مربوط به این رویه‌ها و نیز میزان دخالت آن شرکت در تصمیمات ایمنو کو بررسی شوند.<sup>۸</sup> دیوان سپس با بررسی ترکیب اعضای هیئت مدیره شرکت ایمنو کو و ساز کار تشکیل جلسات و تصمیم گیری در آن و نیز عدم وجود شواهدی مبنی بر مخالفت شرکت ملی نفت ایران با تصمیمات اتخاذ شده در شرکت ایمنو کو نهایتاً به این نتیجه رسید که شرکت ملی نفت ایران از طریق عملکرد خود در

---

1. Doctrine of laches

2. Phillips Petroleum Company Iran v. Islamic Republic of Iran and the National Iranian Oil Company, op cit, para. 194.

3. Ibid, para. 195.

4. Ibid, para. 196.

5. Doctrine of preclusion

6. Phillips Petroleum Company Iran v. Islamic Republic of Iran and the National Iranian Oil Company, op cit, para. 197.

7. یکی دیگر از استدلال‌های دیوان، رأی دیگری در دیوان داوری ایران و آمریکا (Award No. 215-52-1, 1986)

بود که ضمن آن تصریح شده بود که یک طرف قرارداد از طریق عملکرد خود می‌تواند از حق طرح دعوا در

آینده چشم‌پوشی کند (Ibid, para.199). برای مشاهده این رأی ر.ک. به گزارش آرای دیوان داوری دعاوی ایران

ایالات متحده- جلد ششم ص ۳۱۲.

8. Ibid, para. 200.



قرارداد، حق طرح دعوا در این موارد را از خود سلب کرده است.<sup>۱</sup> نکته جالب در این خصوص، استدلال شرکت ملی نفت ایران مبنی بر عدم داشتن دانش فنی و توانایی علمی برای بررسی گزارش‌ها و اطلاعات فنی مربوط به این موضوع بود که دیوان با استناد به مدارک موجود خلاف این ادعا را اثبات کرد.<sup>۲</sup>

#### ۴. ملاحظاتی در خصوص صنعت نفت ایران

با توجه به رژیم‌های مختلف تولیدی حاکم بر بخش بالادستی صنعت نفت که شرح آن ارائه شد، می‌توان دریافت که رژیم حقوقی حاکم بر صنعت نفت کشور از نوع رژیم دولتی (قراردادی) بوده که در آن مطابق قانون (ماده ۲ قانون نفت ۱۳۹۰) مالکیت منابع زیرزمینی نفتی جزء انفال بوده و اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت قرار داده شده است. هرچند تا قبل از قانون نفت ۱۳۳۶ در قراردادهای اشاراتی به مفهوم رویه‌ها (اگرچه به صورت‌های مختلف) شده بود، اما عملاً این قانون موجب قانونی شدن تعهد پیمانکاران به انجام برخی از تعهدات خود در قراردادهای نفتی وفق رویه‌های صنعت نفت شد. با اصلاح قانون نفت در سال ۱۳۵۳ این صراحت در قانون از بین رفت و محدود به تعهدات قراردادی گردید. در قانون نفت در سال ۱۳۶۶ (و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۰) تنها به بحث تولید صیانتی پرداخته شده بود و عملاً رویه‌های بین‌المللی در صنعت نفت مسکوت مانده بود. صیانت از تولید، تولید صیانتی و مفاهیمی از این دست در قوانین مختلفی ذکر شده است، اما بر اساس تعریف انجام شده در قانون نفت سال ۱۳۹۰ و نیز نظر متخصصین بیشتر به مخزن و رفتار تولیدی آن محدود است که باید در مرحله طراحی و تولید مدنظر قرار گیرد.

از طرف دیگر تعیین فعالیت‌هایی از جمله:

- تعیین و بازنگری و نظارت بر حسن اجرای استانداردهای صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با همکاری دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط و صدور گواهینامه‌های لازم؛

1. Ibid, paras. 201-207.

2. Ibid, para. 206.

- تأیید صلاحیت تشکیل انجمن‌ها، تشکل‌های تولیدی، تجاری و خدمات مهندسی در صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی به منظور صدور مجوز تشکیل و نظارت بر آنها با رعایت قوانین و مقررات؛

- جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده.

به‌عنوان وظایف و اختیارات وزارت نفت تقریباً تمامی جنبه‌های مربوط به رویه‌های خاص صنعت نفت<sup>۱</sup> (به جز مبحث داوری) را در حوزه عملکرد این وزارت‌خانه قرار داده است. از سوی دیگر قرارداد با شرکت‌های بین‌المللی برای عملیات اکتشاف و تولید بر اساس مجوزهای قانونی خاص بر عهده شرکت ملی نفت ایران می‌باشد. ارجاع به این رویه‌ها در این نوع قراردادها با توجه به ابهام در حدود و ثغور آنها لزوم تبیین و تعیین رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت و بهترین عملکردهای بخش اکتشاف و تولید در قالب اسناد مشخص و به‌روزرسانی آنها در فواصل زمانی مشخص توسط ارگان‌های مسئول به‌ویژه وزارت نفت را آشکار می‌سازد. در غیاب چنین متونی شرکت بین‌المللی در تشخیص و تعیین رویه‌ها و بهترین عملکردهای بین‌المللی آزادی عمل کامل داشته و با توجه به باز بودن سقف هزینه، عملاً تمامی هزینه‌های ناشی از این انتخاب‌ها به‌همراه بهره‌های متعلقه از محل عواید میدان و پروژه بازپرداخت خواهد شد. با این حال در صورت مخالفت شرکت ملی نفت در این خصوص و بروز اختلاف در تعیین و تفسیر رویه‌های نفتی نهایتاً مکانیسم‌های حل اختلاف به جریان افتاده که با توجه به موافقت‌نامه‌های داوری در این نوع قراردادها، عملاً از حاکمیت محاکم داخلی در قضاوت بین شرکت ملی نفت و طرف خارجی ممانعت نموده و موضوع به تشکیل دیوان داوری محوّل خواهد شد. در این صورت اختیارات دیوان داوری در تعیین قانون حاکم بر ماهیت اختلاف با هدف تعیین قانون ملی به عنوان قانون حاکم در تعارض قرار می‌گیرد. علاوه بر این موضع خنثی دیوان‌های داوری در باب اختلاف طرفین با روال محاکم در رژیم خصوصی اکتشاف و

۱. برای مطالعه در خصوص منابع رویه‌ها ر.ک. به کاشانی و دامن پاک (۱۳۹۹)

تولید که در آن دادگاه‌ها حتی‌الامکان در تفسیر قرارداد به منافع صاحب زمین توجه داشتند، متفاوت می‌باشد.

ممکن است شرکت ملی نفت ایران با آگاهی از این موارد و به منظور جلوگیری از ورود به فرآیند فوق و مواجهه با ریسک‌های مترتب بر آن گزینه مذاکره و توافق بر سر تبیین و تفسیر طرفین از رویه‌های بین‌المللی را ارجح بداند که در این صورت نیز عدم وجود اسناد بالادستی فرآیند رسیدن به توافق را طولانی (اگر نه غیرممکن) خواهد نمود. علاوه بر این سوابق داوری در مورد رویه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که شرکت ملی نفت در اعلام موافقت خود با برنامه‌های شرکت بین‌المللی باید نهایت دقت و تأمل را داشته باشد؛ چرا که هرگونه موافقت کلی در این خصوص ممکن است به معنای توافق ضمنی با رویه‌های منتخب شرکت بین‌المللی تلقی گردد.

سرانجام موضوعی که شاید محدود به شرکت ملی نفت و وزارت نفت نباشد، لزوم درگیر شدن شرکت بین‌المللی در تمامی بخش‌های مربوطه در اقتصاد داخلی و تبعیت از قوانین و مقررات آنها باشد. قراردادی که در آن شرکت بین‌المللی تنها از کانال شرکت ملی نفت به اقتصاد داخلی متصل است، آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به قراردادی دارد که در آن شرکت بین‌المللی در تمامی بخش‌های مربوطه به نحوی شناخته و ثبت شده، متعهد، مسئول و البته دارای حقوق قانونی خود است. البته لازمه چنین شرایطی هماهنگی و اصلاح ساختار در کلیه بخش‌های اقتصاد مثل مالیات، گمرک، بانک‌ها و ... خواهد بود.

### نتیجه

شکل‌گیری عرف و رویه‌های نفتی به‌طور طبیعی در ساختاری شکل می‌گیرد که در آن تعدد فعالان (شامل صاحبان زمین و شرکت‌های نفتی) وجود دارد. در قالب چنین ساختاری که عملاً به صورت بخش جدایی‌ناپذیر از اقتصاد ملی عمل می‌کند، تعاملات مکرر طرفین در موقعیت‌های مشابه به مرور موجب شکل‌گیری عرف خاص صنعت و تکرار اقدامات فنی مشابه در شرایط مشابه و پذیرش عمومی آن موجب ایجاد رویه‌های مناسب صنعت (در بعد فنی آن) می‌گردد. این ساختار در دهه‌های ابتدایی پیدایش صنعت نفت و در ساختار اقتصادی کشورهای صاحب نفت در آن زمان (روسیه و آمریکا) وجود داشت و در کشور اخیر تاکنون برقرار مانده است. ضمانت‌اجرای تعهدات مربوط به رویه در این

شیوه از طریق محاکم (فدرال و ایالتی) بوده و این محاکم نیز در تفسیر مفاد مبهم قرارداد، با توجه به موقعیت برتر شرکت‌های توسعه‌دهنده نسبت به صاحبان زمین، رویکردی حمایتی نسبت به صاحب زمین داشته‌اند. شرکت‌های توسعه‌دهنده در این چارچوب دارای بیشترین آزادی عمل در فعالیت‌های خود بوده و تنها ملزم به رعایت الزامات قانونی (از جمله مقررات زیست‌محیطی و ایمنی) در حداقل میزان خود هستند.

با این حال ساختار صنعت نفت در بقیه نقاط جهان (پس از تغییر و تحولات طولانی) به صورت عمومی و دولتی بوده که تفاوت‌های معناداری با ساختار خصوصی دارد. در ساختار رگولاتوری تعدد فعالان در یک طرف (صاحبان زمین) به انحصار (توسط دولت) تغییر می‌کند، هرچند تعدد بازیگران در طرف دوم همچنان وجود دارد. در این ساختار انحصار طرف اول در انتخاب شرکت‌های ذی‌صلاح برای فعالیت، تشریح چگونگی نظارت، تعیین اهداف و تبیین انتظارات از شرکت‌های فعال در صنعت در عمل دامنه فعالیت آنها را محدود می‌کند. با این حال شرکت‌های فعال همچنان در اقتصاد این کشورها ادغام شده‌اند. کاستی‌های ایجادشده در این ساختار (ناشی از نبود رقابت کامل به دلیل انحصار در مالکیت منابع و عدم فعالیت آزاد شرکت‌های فعال) در به وجود آوردن رویه از طریق فعالیت‌های رگولاتور در تهیه توصیه‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، راهنماها و تدوین بهترین رویه‌های مذاکره‌ای، فنی و زیست‌محیطی تا حدودی جبران می‌شود. ارگان رگولاتوری در این ساختار می‌تواند خود در جایگاه داور بین شرکت‌های فعال قرار گیرد و تصمیمات وی در جایگاه نقش آن به عنوان نهاد تنظیم‌کننده مقررات قابلیت اعتراض در محاکم داخلی را دارد.

در ساختار دولتی اما انحصار در هر دو طرف برقرار می‌گردد (دولت به عنوان طرف اول و شرکت ملی نفت یا آژانس مربوطه به عنوان طرف دوم) و عملاً تمامی فعالیت‌ها در چارچوب روابط اداری بین ارگان‌های مختلف دولتی انجام می‌شود. حقوق و اختیارات طرف دوم در انجام عملیات در بخش بالادستی بنا بر برخی مقتضیات خاص (مثل کمبود منابع مالی، مشترک بودن میدان، جذب تکنولوژی و یا افزایش بازیافت) ممکن است حضور سایر شرکت‌ها (داخلی و یا بین‌المللی) را ایجاب نماید که در این حالت این حضور نه به عنوان رقیب، بلکه به عنوان سرویس‌دهنده و یا پیمانکار بوده و ارتباط ارگانیک با اقتصاد کشور ایجاد نمی‌گردد؛ بلکه از مجرای شرکت ملی نفت این ارتباط به وجود می‌آید. در

فقدان روند شکل‌گیری عرف و رویه بین طرفین و نبود نهاد رگولاتوری جهت ارائه مقررات و الزامات مورد نیاز، تلاش طرف اول قرارداد (دولت یا شرکت ملی نفت آن) برای تشریح تمامی جزئیات تعهدات قراردادی و عملیاتی در قرارداد و مشروط نمودن بخش‌های مختلفی از فعالیت‌های عملیاتی به تأیید خود قابل درک است. الزام به انجام عملیات وفق رویه‌های نفتی نیز را می‌توان در چارچوب رفع این مشکل دانست. لیکن نامشخص بودن دامنه این رویه‌ها و بروز اختلافات در این زمینه از عوارض منفی آن می‌باشد. با این حال در کنار تعهدات قانونی و قراردادی شفاف و روشن، تدوین رویه‌های مناسب نفت و گاز به صورت دستورالعمل‌ها و راهنماهای فعالیت در برخی از کشورها تلاشی است برای شفاف‌سازی آن بخش از تعهدات پیمانکار که امکان تعیین آن در زمان قرارداد وجود نداشته و یا بنا بر ماهیت خود امری سیال است و در واقع می‌توان آن را پرکردن خلأهای موجود در قرارداد و جلوگیری از بروز اختلافات آتی دانست. نهایتاً حاکمیت مراجعی غیر از محاکم ملی جهت رفع اختلافات، جبران خسارت و یا فسخ قرارداد در ارتباط با شرکت‌های بین‌المللی طرف قرارداد (دیوان‌های داوری) تبعات و ریسک‌های جدیدی پیش روی شرکت‌های ملی قرار می‌دهد که با اهداف اولیه آنها در کنترل تمامی ابعاد فنی، اقتصادی و حقوقی صنعت نفت متناقض است. در خصوص صنعت نفت ایران نیز با توجه به رژیم حاکم بر فعالیت‌های بخش بالادستی (دولتی-قراردادی) و حضور شرکت‌های بین‌المللی در قالب الگوهای متفاوت قراردادی، لزوم تدوین رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت و بهترین عملکردهای بخش اکتشاف و تولید توسط ارگان‌های ذی‌ربط و به ویژه وزارت نفت و به‌روزرسانی آنها در فواصل مشخص بیش‌ازپیش ضروری به‌نظر می‌رسد.

### تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

### ORCID

Javad Kashani

 <https://orcid.org/0009-0006-4114-5945>

Jafar Damanpak

 <https://orcid.org/0000-0002-1873-4331>

## منابع

### الف) فارسی

- ابراهیمی، نصرالله و جانفدا، امیر. "جایگاه قانونی-قراردادی مالیات بر درآمد در نظام مالی قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز با تأکید بر پروژه های نفتی ایران". *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، سال ۱۶، شماره ۶۷ (۱۳۹۹).
- احمدی و استانی، عبدالغنی. "شرح مختصر بیانیه های الجزایر". *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران*. شماره ۱. (۱۳۶۳).
- القشیری، احمد و ریاض، طارق. "قانون حاکم بر نسل جدید قراردادهای نفتی: چرخش در روند دآوری". ترجمه محسن محبی. *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران*. شماره ۲۹. (۱۳۸۲).
- بیگ‌زاده، صفر. (ویراستار). *گزارش آرای دیوان دآوری دعاوی ایالات متحده*، جلد ششم. (تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۹۳).
- درخشان، مسعود. "قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی". *فصلنامه مطالعات اقتصادی اسلامی*. سال ۶. شماره ۲. پیاپی ۱۲. (۱۳۹۳).
- زین‌الدین، سیدمصطفی و شاهمرادی، عصمت. "بررسی تطبیقی ملاحظات زیست‌محیطی در قراردادهای بین‌المللی نفت". *مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۱، شماره ۲، (۱۳۹۴).
- زهرایی، مرتضی. "ضمانت اجرای آراء دآوری بین‌المللی". *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران*. شماره ۳۱. (۱۳۸۳).
- سعیدی، علی محمد. "سه مقاله در صنعت نفت کشور". *فصلنامه مجلس و پژوهش*. سال ۹. شماره ۳۴. (۱۳۸۱).
- شیروی، عبدالحسین. *حقوق نفت و گاز*. (تهران: میزان، ۱۳۹۷).
- شیروی، عبدالحسین و ابراهیمی، نصرالله. "اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل". ترجمه مجتبی اصغریان. *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران*. شماره ۴۱. (۱۳۸۸).
- شیروی، عبدالحسین فلاحی، مهین. "چارچوب قراردادی فرآیند برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی". *مجله حقوق خصوصی*. دوره ۱۴ شماره ۱. (۱۳۹۶).

ضمانت اجرای رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت در رژیم‌های مختلف... | کاشانی و دامن پاک | ۲۱۳

طجرلو، رضا و عبدی، صادق. ”مقایسه هیأت‌های حل و فصل اختلافات قراردادی وزارت نفت و نمونه قراردادهای بین‌المللی فیدیک“، نشریه مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، شماره ۲، (۱۳۹۷).

کاتوزیان، ناصر. قانون مدنی در نظم حقوقی. (تهران: میزان، ۱۳۹۳).  
کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادهای (جلد سوم): آثار قرارداد. (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵).

کاشانی، جواد و دامن پاک، جعفر. ”ماهیت رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت و آثار آن بر قانون حاکم بر قراردادهای بخش بالادستی“، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۶، شماره ۲، (۱۳۹۹).  
کتاب سفید (کتاب سبز). تاریخچه و متن قراردادهای مربوطه نفت ایران (قانون نفت، اساسنامه شرکت ملی نفت و قراردادهای شش‌گانه پیمانکاری). (تهران: شرکت ملی نفت ایران ۱۳۴۴).  
محبی، محسن. ”ماهیت حقوقی دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده از دیدگاه حقوق بین‌الملل“، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۸ و ۱۹، (۱۳۷۴).

موسوی، سید فضل‌الله و عینی، مجتبی. ”رویکردی نو در تحلیل حقوقی شروط زیست محیطی قراردادهای نفتی“، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۵، شماره ۱، (۱۳۹۸).

## In Persian

Ahmadi Vastani, Abdolhjeni, «A brief description of Algerian Declarations», *International Law Review*, Volume 1, Issue 1, (1985).

Beigzadeh, Safar, (Editor), *Iran-U.S. Claims Tribunal Reports- Volume VI*, President Office, Deputy for Legal Affairs, Office of Codification, revision and publication of laws and regulations, (2014).

Derakhshan, Masoud, «Oil Contracts from MER and IOR/EOR Standpoint: The Resilient Economy Approach», *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, Volume 6, Issue 2, (2014).

Ebrahimi, Seyyed Nasrollah and Janfada, Amir, «Legal and Contractual Status of Income Taxation in Upstream Contracts of Oil and Gas Industry with Emphasis on Iranian Petroleum Projects», *Quarterly Energy Economics Review*, Volume 16, Number 67, (2021).

El-Kosheri, A. S. & Riad, T., «The Law Governing New Generation of Petroleum Agreements: Changes in the Arbitration Process», translated by Mohebi, Mohsen, *International Law Review*, Volume 20, Issue 29, (2003).

Green Book (White Book), *History and text of contracts related to Iranian oil Industry (Petroleum Law, National Iranian Oil Company Articles of Association)*, (Tehran: National Iranian Oil Company, 1965).

- Kashani, Javad and Damanpak, Jafar «Nature of International Petroleum Industry Practices and Their Impacts on Law Governing Upstream Contracts», *Energy Law Studies*, Volume 6, Issue 2, (2021).
- Katoozian, Naser, *Civil code in legal order*, (Tehran: Mizan Law foundation, 2014).
- Katoozian, Naser, *General Rules of Contracts - Volume 3 of Contract Effects*, (Tehran: Enteshar Co, 2016).
- Mohebi, Mohsen, «Legal nature of the Iran-United States Claims Tribunal from the perspective of international law», *International Law Review*, Volume 13, Issue 18-19, (1995).
- Mousavi Fazlollah and Einy, Mojtaba, «The New Approach in Legal Analysis of Environmental Clauses in Petroleum Contracts», *Energy Law Studies*, Volume 5, Issue 1, (2019).
- Saeedi, Alimohammad, «3 papers on Iranian petroleum Industry», Majlis & Pajouhesh, *The Journal of Majlis Research Centre*, Volume 9, Number 34, Special Issue: Oil and the National Interest, (2002).
- Shiravi, Abdolhossein, *Oil and Gas Law*, (4<sup>th</sup> Edition), (Tehran: Mizan Law foundation, 2018).
- Shiravi, Abdolhossein and Ebrahimi, Seyed Nasrollah, «Exploration and development of Iran's oilfields through buyback», translated by Asgharian, Mojtaba, *International Law Review*, Volume 26, Issue 41, (2010).
- Shiravi, Abdolhossein and Falahati, Mahin, «Contractual Framework of Decommissioning of Petroleum Installations and Facilities», *Journal of Private Law*, Volume 14, Issue 1, (2017).
- Tajarloo, Reza and Abdi, Sadegh, «Comparative Study of the Dispute Resolution Boards of the Ministry of Oil and International FIDIC Contracts», *Energy Law Studies*, Volume 4, Issue 2, (2019).
- Zahraie, Morteza, «Remedies For the Enforcement of the International Arbitral Awards», *International Law Review*, Volume 21, Issue 31, (2004).
- Zeinodin Seyyed Mostafa and Shahmoradi, Esmat, «A comparative study of environmental provisions in international oil contracts», *Energy Law Studies*, Volume 1, Issue 2, (2016).

#### ب) انگلیسی

- Bourgeois, Loyd L. (2004), "Private Actions Seeking Remediation or Restoration' Damages: Who Ensures the Clean-up Actually Occurs?", *Tulane Environmental Law Journal*, Vol. 17.
- Conine, Gary B. (2001), "The Prudent Operator Standard: Applications beyond the Oil and Gas Lease, *Natural Resources Journal*, Volume 41.



- Feriancek, Jeanine. (1996) "Liability for Negligence", *Natural Resource And Environment*, Vol. 11, No. 1.
- Galanter, Marc. (1983) "Reading the landscape of disputes: What we know and don't know (and think we know) about our allegedly contentious and litigious society", *UCLA Law Review*, Vol. 31.
- García, Julian C. (2012) "Best Industry Practices and Environmental Regulation for Offshore Petroleum Operations - A Contribution to the Study of the Lex Petrolea". *TPLI Series on Transnational Petroleum Law*, Vol. 1, N° 2.
- Konschnik, Kate. (2018), "Private Environmental Governance In Oil And Gas: Unlocking The Complex Universe of Leading Management Practices", *Journal of Land Use*, Vol. 33 No. 2.
- Krueger, Robert B. (1978), "The Management of Federal Petroleum Resources in The United States", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 27.
- Kuntz, Eugene O.. *A Treatise on the Law of Oil and Gas: Including Forms, Statutes, Regulations*, Volume 4, (Anderson Publishing Company, 1972).
- Lowe, John S. "Some Recurring Issues in Operating Agreements and What AAPL's Drafting Committee Might Do About Them", 60 Rocky Mt. Min. L. Inst. (2014).
- Martin, T., "Decommissioning of International Petroleum Facilities, Evolving Standards and Key Issues", *Oil, Gas & Energy Law Journal* Vol. 1. Also at International Energy Law Course, RMMLF Mineral Law Series. Also at OGEL 5 (2003).
- Meyers, Charles J. (1963), "Compulsory Joinder of Parties in Implied Covenant Litigation", *Stanford Law Review*, Vol. 16, pp. 43-74.
- Miller, David W. (1963), "The Historical Development of the Oil and Gas Laws of the United States", *California Law Review*, Vol. 51, No. 3.
- Moore, Loretta W. and Pierce, David E. (1997), "A Structural Model for Arbitrating, Disputes Under the Oil and Gas Lease", *Natural Resources Journal*, Vol. 37.
- Pierce, David E. (1987), "Rethinking the Oil and Gas Lease", *Tulsa Law Journal*, Vol. 22, No. 4.
- Pendery, Bruce M. (2010), "BLM's Retained Rights: How Requiring Environmental Protection Fulfills Oil And Gas Lease Obligations", *Environmental Law*, Vol.40.
- Ramazani, Rouhollah K. (1962), "Choice-of-Law Problems and International Oil Contracts: A Case Study", *The International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 11, No. 2.

- Strong, Christopher B. (eds.). *The Oil and Gas Law Review*. 4<sup>th</sup> Edition. (London: Law Business Research Ltd, 2016).
- Sullivan, Robert Edwin. *Handbook of Oil and Gas Law*. 2<sup>nd</sup> Edition. (Prentice-Hall, 1955).

#### **Decisions**

- Abraxas Petroleum Corp. v. Hornburg, (2000), Texas Courts of Appeals, No. 08-98-00286-CV, 20 S.W.3d 741.
- American Petroleum Institute v. United States Environmental Protection Agency, (2000), United States Court of Appeals for the District of Columbia Circuit, Nos. 94-1683, 94-1684, 94-1686, 98-1494, 98-1506, 98-1507, 98-1514, 342 U.S. App. D.C. 159, 216 F.3d 50.
- Amoco Production Co. v. Alexander, (1981), Supreme Court of Texas, No. B-9131, 622 S.W.2d 563.
- Butcher v. Okmar Oil Co., (1977), Court of Appeal of the State of California, Civ. No. 49493, 65 Cal. App. 3d 972.
- Cannon v. Sun-Key Oil Co., (2003), Texas Courts of Appeals, No. 11-02-00286-CV, 117 S.W.3d 416.
- Castle Texas Production Limited Partnership, et al, v. The Long Trusts, (2003), Texas Courts of Appeals, No. 12-01-00192-CV, 134 S.W.3d.
- Cedar Creek Oil & Gas Co. v. Fidelity Gas Co., (1957), United States Court of Appeals for the Ninth Circuit, No. 15293, 249 F.2d 277.
- Compton v. Fisher-McCall, Inc., (1941), Michigan Supreme Court, Docket No. 51, Calendar No. 41,489. 298 Mich. 648.
- Energen Resources MAQ, Inc. v. Dalbosco, (2000), Texas Courts of Appeals, No. 01-99-00553-CV, 23 S.W.3d 551.
- Environment Protection Authority v. Great Southern Energy, (1999), NSWLEC 19. At:  
<https://www.caselaw.nsw.gov.au/decision/549f775a3004262463a87d86>
- Exxon Mobil Corp. v. Commissioner, (2000), United States Tax Court, Docket Nos. 18618-89, 18432-90, 114 T.C. 293.
- Exxon Mobil Corp. v. United States Environmental Protection Agency, (2000), United States Court of Appeals for the Ninth Circuit, No. 99-70945, 217 F.3d 1246.
- Exxon Mobil Corp. & Affiliated Companies v. Commissioner, (2007), United States Court of Appeals for the Fifth Circuit, No. 06-60276, 484 F.3d 731.
- Exxon Mobil Corp. & Affiliated Cos. v. Commissioner, (2012), United States Court of Appeals for the Second Circuit, Docket Nos. 11-2814, 11-2817, 689 F.3d 191.

- In re Motor Fuel Temperature Sales Practices Litigation, (2008), United States District Court for the District of Kansas, MDL No. 1840; No. 07-MD-1840-KHV, 534 F. Supp. 2d 1214.
- In re Oil Spill by the Oil Rig Deepwater Horizon, (2015), United States District Court for the Eastern District of Louisiana, No. MDL 2179, 77 F. Supp. 3d 500.
- IP Petroleum Co. v. Wevanco Energy, L.L.C., Texas Courts of Appeals, No. 01-02-00106-CV, 116 S.W.3d 888.
- Iranian Court Decision on Arbitral Award in Dispute Between Sapphire International Petroleums Ltd. and the National Iranian Oil Company. (1970). International Legal Materials, 9(6), p.1118-1124.
- Joint Venture Yashlar and Bidas S.A.P.I.C. v. Turkmenistan, ICC Case No. 9151/FMS/KGA, Interim Award of 8 June 1999. At:  
[https://jsumundi.com/en/document/decision/en-joint-venture-yashlar-and-bridas-s-a-p-i-c-v-turkmenistan-interim-award-tuesday-8th-june-1999#decision\\_5140](https://jsumundi.com/en/document/decision/en-joint-venture-yashlar-and-bridas-s-a-p-i-c-v-turkmenistan-interim-award-tuesday-8th-june-1999#decision_5140)
- Lamb County Electric Cooperative, Inc. v. Public Utility Commission, (2008), Texas Courts of Appeals, No. 03-04-00593-CV 269, S.W.3d 260.
- Lightcap v. Mobil Oil Corp., (1977), Kansas Supreme Court, No. 47,991, 221 Kan. 448, 562 P.2d 1.
- Ohio River Collieries Co. v. Commissioner, (1981), United States Tax Court · Docket No. 13483-78, 77 T.C. 1369.
- Olson v. Schwartz, (1984), North Dakota Supreme Court, Civ. Nos. 10466, 10503, 345 N.W.2d 33.
- Phillips Petroleum Company Iran v. Islamic Republic of Iran and the National Iranian Oil Company. (1989). IUSCT (Iran-US Claims Tribunal), Award No. 425-39-2. Also at:  
[https://jsumundi.com/en/document/decision/en-phillips-petroleum-company-iran-v-the-islamic-republic-of-iran-the-national-iranian-oil-company-award-award-no-425-39-2-friday-16th-june-1989#decision\\_4042](https://jsumundi.com/en/document/decision/en-phillips-petroleum-company-iran-v-the-islamic-republic-of-iran-the-national-iranian-oil-company-award-award-no-425-39-2-friday-16th-june-1989#decision_4042)
- Reeder v. Wood County Energy L.L.C., (2010), Texas Courts of Appeals, No. 12-08-00175-CV, 320 S.W.3d 433.
- Repsol Sinopec Resources UK Limited V. OPRED, (2019), First-Tier Tribunal General Regulatory Chamber Environment, Appeal number: GGE/2019/0001/BEIS. At:  
[http://www.bailii.org/uk/cases/UKFTT/GRC/2019/GGE\\_2019\\_0001.html](http://www.bailii.org/uk/cases/UKFTT/GRC/2019/GGE_2019_0001.html)
- Rook v. James E. Russell Petroleum, Inc., (1984), Kansas Supreme Court, No. 54,031, 235 Kan, 6, 679 P.2d 158.

Stine v. Marathon Oil Co., (1992), United States Court of Appeals for the Fifth Circuit, Nos. 90-2570, 91-2220, 976 F.2d 254.  
T.W. Philips Gas & Oil Co. V. Jedlika, (2012), Supreme Court of Pennsylvania · No. 19 WAP, 615 Pa. 199, 42 A.3d 261.  
Ware v. Stafford, 148 Cal. App. 2d 840 (1957), District Court of Appeal of the State of California. Civ. No. 22074. 148 Cal. App. 2d 840.

### **Other countries law and regulations:**

Azerbaijan Shah Deniz PSA. (1996). At:

[https://www.bp.com/content/dam/bp/country-sites/en\\_az/azerbaijan/home/pdfs/legalagreements/psas/sd-psa.pdf](https://www.bp.com/content/dam/bp/country-sites/en_az/azerbaijan/home/pdfs/legalagreements/psas/sd-psa.pdf)

Brazil Concession Model (2008). At:

[http://filesrodadas.anp.gov.br/arquivos/Editais/Conc\\_agreement/Conc\\_agreement\\_R10\\_en.pdf](http://filesrodadas.anp.gov.br/arquivos/Editais/Conc_agreement/Conc_agreement_R10_en.pdf)

European Union Best Available Techniques Guidance Document on upstream hydrocarbon exploration and production (2019), Publications Office of the European Union, Luxembourg.

India Standing Committee on GIIP (Good International Petroleum Industry Practices), (2016). At:

<http://dghindia.gov.in/assets/downloads/gipip.pdf>

Fauna & Flora International (FFI). (2017). Biodiversity and Ecosystem Services: Good Practice Guidance for Oil and Gas Operations in Marine Environments. FFI: Cambridge U.K. Available from: [www.fauna-flora.org](http://www.fauna-flora.org)

Iranian Petroleum Contracts, At:

<http://icmstudy.ir/wp-content/uploads/2016/02/%D9%86%D8%B3%D8%AE%D9%87-%D8%A7%D9%86%DA%AF%D9%84%DB%8C%D8%B3%DB%8CPC-1.pdf>

<http://icmstudy.ir/wp-content/uploads/2016/02/%D9%86%D8%B3%D8%AE%D9%87-%D8%A7%D9%86%DA%AF%D9%84%DB%8C%D8%B3%DB%8CPC-2.pdf>

Kurdistan Production Sharing Agreement model (2007). At:

[https://govkrd.b-cdn.net/Ministries/Ministry%20of%20Natural%20Resources/English/Publications/Laws/Model%20Production%20Sharing%20Contract%20\(PSC\).pdf](https://govkrd.b-cdn.net/Ministries/Ministry%20of%20Natural%20Resources/English/Publications/Laws/Model%20Production%20Sharing%20Contract%20(PSC).pdf)

Libyan The Petroleum Law. (1955). At:

ضمانت اجرای رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت در رژیم‌های مختلف ... | کاشانی و دامن پاک | ۲۱۹

<https://www.qalaa.ly/images/The%20Libyan%20Petroleum%20Law.pdf>  
Libya: Petroleum Law Amendment (Revision of Existing Concession Agreements). (1966). International Legal Materials, Vol.5, No.3, p. 442–461.

Libya Production Sharing Agreement IV. At:  
<http://www.scribd.com/doc/134853960/Libya-EPISA-IV-Model-E-P-Contract>

Nigeria - Sao tome and Principe- Joint Development Authority- Model Production Sharing Contract (2004). At:  
<http://www.la.utexas.edu/users/chenry/oil/2006/PSA2004model/NST-JDA%20Model%20PSC%202004.pdf>

Tanzania Production Sharing Agreement model. (2013). At:  
<http://www.wgei.org/wp-content/uploads/2015/10/Tanzania-Model-Production-Sharing-Agreement-2013.pdf>

United Kingdom Petroleum Act. (1998). At:  
<https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1998/17/contents>

United Kingdom Energy Act. (2016). At:  
<https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2016/20/contents>

United Kingdom Infrastructure Act. (2015). At:  
<https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2015/7/section/41/enacted>

United Kingdom Oil and Gas Authority, Stewardship Expectations Overview. (2019). At:  
[https://www.ogauthority.co.uk/media/5894/oga\\_se\\_overview\\_july\\_2019.pdf](https://www.ogauthority.co.uk/media/5894/oga_se_overview_july_2019.pdf)

United Kingdom Oil and Gas Authority, (2020), Measurement Guidelines. At:  
[https://www.ogauthority.co.uk/media/6235/oga-metering-guidelines-2019\\_revised\\_dec-19.pdf](https://www.ogauthority.co.uk/media/6235/oga-metering-guidelines-2019_revised_dec-19.pdf)

United Kingdom The Petroleum (Production) (Seaward Areas) Regulations, (1988), At:  
<https://www.legislation.gov.uk/uksi/1988/1213/schedules/made>

استناد به این مقاله: کاشانی، جواد و دامن پاک، جعفر. (۱۴۰۲). ضمانت اجرای رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت در رژیم‌های مختلف بخش بالادستی. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۱(۴۲)، ۱۷۵-۲۱۹. doi: 10.22054/JPLR.2023.61795.2589



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.